



# رهائی

سال اول شماره ۲۸

سد سید ۱۹ بروردس ۱۳۵۹

سها ۲۰۰ ریال

در این شماره :

- انتخابات  
در مقابل دشمن خدعه رواست !!
- پیام کار تر  
فصل مشترک منافع
- راه رشد غیر سرمایه داری (۱)  
سراب یا واقعیت ؟
- کردستان  
تدارک جنگی جدید
- زیمبابوه  
نگاهی دیگر

# انتخابات

## در مقابل دشمن خدعه رواست !!

سازش آراء، دور اول انتخابات در هفتدی گذشته به پایان رسیده و نتایج آن رسماً اعلام شد. با وجود آنکه کمتر موردی است که در آن سه وضوح دست‌مفلس دیده شود، همین سلاح اعلام شده کوبای بسیاری از مسائل است.

آنچه که در این انتخابات پس از هر جز حلت‌نظر میکند، تعداد بسیار کم شرکت‌کنندگان در انتخابات به سبب رای گیریهای فلی است. بر اساس آمار رسمی، در دور اول انتخابات مجلس سورا کمی سس از ده میلیون نفر آراء خود را سده صدوعیا ریخته‌اند. این تعداد دنیفاً نصف آراء رفراودوم جمهوری اسلامی، و ۲۵ در صد کم‌تر از تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات مجلس حرکا است. و قابل ذکر آنکه مردم کردستان بر خلاف انتخابات ریاست‌جمهوری و با حتی رفراودوم قانون اساسی اسرار رای‌های خود را در اکثر سیرها به صدوعیا ریخته‌اند.

سر برولی تعداد شرکت‌کنندگان در یکسال گذشته سنار هر جبر سان دهنده‌ی رشد عدم اعتماد بوده‌ها مردم به رژیم حاکم است.

سازشها، عدم پاسخگویی به سارهای بیوم بوده‌ها، لاسحل مآبدن سکلاسی که هر روز عمق‌تر میشود،

و در مابذکی رژیم و محمصس ریکاریک آن از حل حتی طاهری اسن معضلات، عامل اصلی روی برگرداسدن بوده‌ها از قدرت حاکم است. اصسا روی برگرداسدن از ارتجاع فقط اولین کام سوی ادامه‌ی مبارزه برک دست‌افس به آرمایشی منغالی تر است. شرط ضروری برای استفاده از نارصابی در مسر انقلابی طرح سارها و راه حل‌های انقلابی و

سازماندهی بوده‌هاست. در غیر این صورت نوده‌ی ناراضی سنار آنکه آمادگی ادامه‌ی مبارزه را کسب‌کند، مفصل و بی تفاوت‌سده و بدحمل سراط موجود سامل می‌یابد. اهمیت عدم شرکت‌نخن عظمی از مردم در انتخابات، زمانی روشن تر سکرده که در نظر بگیریم که نفربا اکثر سازماندهی‌های سیاسی اعم از "جیب" و "زاست" شرکت در انتخابات را سملع نموده و این عدم سامل بوده شرکت در انتخابات به تنها نشانه‌ی اسرار آن از اعمال غیر دموکراتیک هیئت حاکمه بلکه نشانه‌ی عدم علاقه‌ی آن به درگیری در مسائل سیاسی است. از جانب دیگر اما، سناچ اعلام سده‌ی انتخابات‌رند سسی کراس مردم به نیروهای جد و مرفعی را سنان مبدده. ولی همین رشد سسی آغار حوی برای کسرس مبارزه پوده و هدفهای روسی را در پس‌روی این نیروها سرار مبدده. با توجه به ارقام خود رژیم جب در اسرار دیگر یک واقعباست و هر روز وزنه‌ی خویسرا سسر روی وقایع سیکس تر خواهد کرد.

نگاهی به اسامی کاندیداهای انتخاب‌سده و لیبس‌کاندیداهای مرحله‌ی دوم سان مبدده که در مجلس آئینه، حزب جمهوری اسلامی و مسردن برذک، با سن حزب اگر نه اکثریت مطلق، ولی بررکترین نیروی مجلس خواهد بود. سار نیروها مانند نهضت‌آرادی - جنبه‌ی ملی و مسردن نزدیک سده آنها محمصس با سوحه به سبب و عدم سازماندهی سان نیروی قابل بوجهی را سکیل خواهد داد. هر چند که اس بخش نعتی معنادل کننده‌ی "روحانیت" را در مانورهای سیاسی سان بسازی خواهد کرد.

از طرف نیروهای مترقی و بسبب بغیر از یک‌با دو کاندیدای مسردن

جبکه ساس‌راه سافس به مجلس را دارند و سمانده‌ی دانش‌سان از بلوجسان، فقط سعداد معدودی کاندیداهای معرفی سده توسط سازمان محاهدین خلق در مجلس حضور خواهند داشت.

رژیم حاکم و حاحهای محلف آن با وجود احلاس‌نظرهایی که ظاهره در مورد نحوه‌ی برگزاری انتخابات اسراز سکرده در عمل به "انتخابی که انجام گرفتن دادند و آسرا سدرسند. جمن سرجوردی سسر قابل اسظار هم سبود. همه‌ی سس‌اندکاره قدرت مسفق الخول بوده و سسند که سکیل مجلس سورا کامی سوی سبب حاکمیت‌آن است. اما از حاسب دیگر مجلس سورا فقط زمانی مسواس حنس نفسی را اسفا کند که عناصر سکیل دهنده‌ی آن از محدودده‌ی طبف شرکت‌کنندگان در قدرت دواس سراسر نرفنه و حتی الا مکان از حصس. و سمانندگان جد و مرفعی در آن طلوب گیری سبود. اولین اقدام رژیم سسرای رسدن با س هدف دو مرحله‌ای کردن انتخابات بود. رژیم اسدوار سبود که با اس سکرد با اسفاده از رای اکثریت مردم، که محور سکرده سوز از وی حاسب می‌کند، مسواند اقلب را "تانوا" کنار بگذارد. سبجه‌ی انتخابات مرحله‌ی اول و حضور تعداد سستا ریادی از کاندیداهای مرفعی در لیبس‌کاندیداهای مرحله‌ی دوم سان مسوقب رژیم در بکار سگردن این سبوه‌ی غیر دموکراتیک است. اما این سوز آغاز کار سبود. جلوسگیری از اسفاده از امکانات تبلیغاتی همکایی مانند رادبو و تلویزیون و محدود کردن تبلیغات به روزنامه‌ها، اسفاده از رادبو تلویزیون برای تبلیغات غیر مسنقیم علیه سبروهای انقلابی و مرفعی سسا

استفاده از سخنرانی های مراجع تقلید بحسب ابعاد و دروغبرداری و غیره و غیره ادامی این کوشش مدیوحانه بود. در مرحله ی بعدی تعیین کننده برای نفلب در حوزه ی رای گیری بود. در این مورد ناکسون اسناد بسیار زیبایی میسر شده است که بنا بر سبب و عمق درجی نفلب در انتخابات میباشد. نفلب بعدی، تعیین هیات نظارت بر صندوق ها از افراد مورد اطمینان حرب جمهوری اسلامی و کمیته ها، ریخس آراء، سبده قبل از شروع رای گیری به صندوقها، ریخس آراء، اضافی بعد از پایان رای گیری، اسفاده از اعضای هیئت نظارت برای ارباب و نجب سار فرار دادن رای دهندگان، رای دادن با ساسنامه های فزایی، کارهای سیاسی و ۵۰۰۰۰۰ در هزاران مورد بیان فعلی نفلب از نفلبانی است که ناکسون افساء شده است، از آخربس سمت نمایشی انتخاباتی آقایان یعنی نحوه ی شمارش آراء، مسافانه اطلاع رسانی در دست نیست، اما در این مورد نیز بینک نفلب وسیعی وجود داشته است. بطور مثال، در تهران از همان روز اول پایان رای گیری، هیئت نظارت نمیتوانست بعد از مسدود کویاهی تعداد کل آراء، ریخته شده به صندوقها را محاسبه و اعلام کند اما عمداً از اعلام این رقم خودداری کرد تا نتواند بر اساس معیار تعداد آراء امکان اضافه و کم کردن آنها را داشته باشد.

اما آیا صرف وجود نفلب در انتخابات مجلس شورای اسلامی، و کفار گذاشتن رقبا به این وسیله میتواند دلیل کافی محدود کردن انتخابات از نظر آباء اعظام و حجج اسلام باشد؟ حتماً نه! زیرا که در "اسلام" استفاده از حده برای دشمن محاز برده شده است. زیرا که دشمن را که در اینجا نیروهای مرفعی و اقلانی و بوده های کنیری از مردم هستند، باید به وسیله از میدان بدر کرد حتی با خدعه و تزویر و نفلب و این همه در "اسلام" نه تنها حرم نیست و گناهی محسوب نمیشود بلکه امری است که سلا حلال، باور ندارید تگاهی به توضیح

المسائل های محلف آقایان، آباء اعظام بر ما کند تا علاوه بر دستور العملهای مفید در تمامی مسائل، دستور العملهایی نیز بر ما موم "دروغ" و "خدعه" اسلامی بنامید.

با این ترتیب مجلسی که سبب استفاده از تمام طرق مروع و غیر مروع اسلامی و غری و ترفی شکست خواهد شد آیا میتواند بوده های مردم را نمایندگی کرده به خواستهای آنان پاسخ گوید؟ مسلماً نه و این امر از همین امروز روشن است. مجلس شورای اسلامی آقایان حداکثر چیزی خواهند بود در حد مجلس حیرکاشان و تصمیم آن نیز نهیج رو نمیتواند فراسراز درک و هدف اکثریت تشکیل دهندگان آن رود. چنین مجلسی با ترکیب قابل بیبیبی آن حتی نمیتواند به خواستهای سیاسی جابجایی از قدرت حاکم برای پایان دادن به "تعدد مراکز تصمیم گیری" نیز کمک زیادی کند. حرب جمهوری اسلامی با وجود روی بر گرداندن مردم از آن، با نفلب و تزویر اکثریت مجلس را فضا کرده و کمیوده های خود را در سبج بوده های مردم از این طریق جبران خواهد کرد. جابجای دیگر نیز شرط رنده مابندشان در افنادن یا حزب جمهوری اسلامی است از اکثریت قابل توجهی برای سه کرسی نشان بر ما موز، خود بر خورد. نخواهند بود. نتیجه ی چنین و صیبی از هم اکنون روشن است. مجلس شورای اسلامی آینده بجای اینکه گاهی در جهت تثبیت رژیم حاکم باشد، قدمی بسوی تلانی هر چه سریعتر آن خواهد بود. موعظه ها و سبج آبت اللله خمینی نیز برای آسی محاصم همانطور که ناکسون موزر شده در آینده نیز تاثیر جدایی نخواهد داشت.

سهر رو امروز مردم و بسیاری از گروه های سیاسی چپ و مرفعی و بخصوص آن بخش از حش که هدفشان ترکیت در مبارزات انتخاباتی و احابا رفتن به پارلمان، افشاء رژیم حاکم بوده است. در مقابل "واضعیت" انتخابات مرحله ی اول فرار گرفته است. در این میان رژیم حاکم با سوسل

به تمام طرق ممکنه در صدد آن است که باس "واضعیت" "ترغیب" و "فانویبیت" نجد و انتخابات مجلس شورای ملی را انتخاباتی اصولی و دموکراتیک تلمداد نماید و با فانویب کردن قدرت خویش باس ریکزده ی دولتی را بکار بی اندارد. و اما مسافانه در مقابل نیروهای سیاسی و بخصوص آن بخش از نیروهای مرفعی و جب که در انتخابات برده کرده و سوا سبده اند حتی الامکان در ساسانیدن خویش مردم موزر باشد خط سبر مطفی حرکتها را، دامه سده و در مقابل اس نحوه ی سرگزاری انتخابات، عملاً سکوت کرده اند. آنچه بعنوان افتاکری در مورد حکومتی نفلب و سوء استفاده های دولتی بیان کردند آنگاه کامل مکررید که بدسال آن و بعنوان سبجی مطفی آن شعار "ابطال مرحله ی اول انتخابات" در میان مردم مطرح مکررید. این شعار مسافانه و هوز هم میتواند بعنوان شعاری سیاسی در بیان مرحله ی دوم انتخابات بین نوده های وسیع مردم مطرح کرد. این شعاره سبها در میان سل عظیمی از مردم که خود شاهد نفلب آسکار جمهوری اسلام بوده اند، سببندگان وسیعی خواهد داشت بلکه میتواند در سبج آن بخش از مردم که بعلم عدم اعتمادشان به رژیم در اس انتخابات شرکت نموده اند نیز موزر افند. اما مسافانه نظر میرسد که اسباریز نیروهای سیاسی مرفعی جب به "ترد" ناکبکی مطرح بدن در سطح اجماع اکثفا نماید و سبر مطفی "افتاکری" را ادامه بدهد، اما حوادث بعدی بیان خواهد داد که این جبیب "انتخاباتی" برای مردم ما هجگاه جبیه فانویب نخواهد گرفت و سبج حاصله از آن هم اکنون عملاً باطل شده است.

★ ★ ★



# فصل مشترک منافع

در آینده منتشر میکنند و لذا سعی نگاه داسن آن و در آن شرایط بویژه با توجه به محتوای خاص پیام که نشان دهنده مسواستناد، سایر اسناد، اسناد حسنی بیستی دستی میکند و مطلب را قبل از آنکه کاج سفید در آینده منتشر کند، خود اسرار میدهد و همه این ماجرا را ناشی از مذاکره راست کوشی با بوده‌ها بعبر میکند و درصن آمریکا عاملیکبر شده را وادار به تکذیب مینماید. اسرار را میگوید بردستی.

و اما خود پیام کارتر، کارتر پیام خود را با اشاره به پیام ۲۱ مارس (اول فروردین) آیت‌الله خمینی آغاز میکند و از آن بعنوان "یک سند اساسی برای کشور شما [ایران]" تحلیل مینماید. سپس محتوای پیام اول فروردین آقای خمینی چه بوده که آنقدر تحسین کارتر را بر انگیزد و مهر "سند اساسی کشور" را به آن کوبیده است.

در پیام توروری آقای خمینی روی مسائل خاصی مبدد تاکید شده که بدون شک مورد تأیید آقای کارتر قرار گرفته است. از مهمترین این نکات میتوان جمله نه جیب و سروهای کمونیستی، تقویت ارتش و سپاه پاسداران، حمله به اعتصابات و مبارزات کارگری و دعوت به سرکوب نیروها، معرفی و دموکرات را نام برد. در تمام موارد فوق آقای خمینی و جناب کارتر متحدان نظر و هم رای هستند و در واقع فصل مشترک سیاسی آنها درست‌تر همینجا آغاز میشود. از دیدگاه کارتر اگر آقای خمینی بتواند از طریق بسیج توده‌ای و گسترار کمونیستها حمام خون راه بیاندازد به مراتب بهتر از رژیم شاه سیاست آمریکا را پیاده خواهد کرد و فیها. اگر مبارزات کارگری سرکوب شود و کارگری "برو" ادب نوند، بهترین سوییچ برای سرمایه داران و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در آینده خواهد بود و اگر حماق سرکوب رژیم بویژه ارتش و سپاه پاسداران تقویت تو دهم حلقهای "بر مدعا" سر جای خود می‌نشینند و هم امنیت لازم برای رشد و باز سازی نظام سرمایه‌داری ایران بوجود خواهد آمد. بی‌شک نیست که شعار محوری "امام امام" در پیام سوروری اش "بازگشت امنیت به ایران" بود. لیکن امنیتی که از طریق سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی واقعی، یورش به اعتصابات حق طلبانه‌ی کارگری، تقویت ارتش و سپاه پاسداران، بخون کشیدن چنین خلفها بدست آید، روشن است که چه نوع امنیت و در خدمتجه کسانی خواهد بود. آیا حر امنیت‌بوروژی‌بوری مورد علاقه‌ی کارتر جبر دیگری میسواند باشد، بدستی که پیام سوروری خمینی اعلام حکمی علیه زحمتکشان و انقلابیون ایران و

اسرارعلنی پیام کارتر به آیت‌الله خمینی و انعکاس آن در سطح ایران و جهان و سرکوب و ناآرامی‌های مکرری که از جانب دولت‌های ایران و آمریکا صورت گرفته، هرچه باسندیک کتدراسحل مسأله در آن اهمیت پیام تاریویکات منظور و در آن برای مسئولین حکومت ایران است. اهمیت این پیام آنچنان مؤ که با اجازه مقامات رژیم حاکم مدت دورور از کلبه‌رسانه‌های گروهی و بویژه رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی بدون تعسر بحس و تبلیغ شد و مفاد آن بصرفا مکانات و سوسلسلیکات رژیم در ذهن بوده‌های مردم‌الغاء شد. رهبران رژیم ایران به شکل رائدالوصفی از این پیام استقبال کردند و آن را سانه‌هایی از پیروزیهای جدید!! دولت ایران در مبارزه با آمریکا تلقی نمودند. به مردم اسطورا اعلام شد که کارتر "انفادینه‌خو" کرده و سایر اسکره کور و حوران ایران و آمریکا در حال بازسند است. آقای خمینی نیز ظاهراً تحت عنوان در میان گذاشتن اسرار است برده‌ها دستورالعمل اسرارعلنی پیام را داد تا ثابت کند که حداقل او با مردم صادق است و هیچ راز پنهانی بین او و ملت موجود نیست. لیکن اسرار نیز رساله‌ها هسوحوا اسطور نیست و "رازهای پنهان" بدون دلیل و صرفا بر مبنای مراحت و راست‌کوشی ساخته‌ها آتکار مینموند. آقای خمینی با کسوی حی یک کلام از مذاکرات گذشته خود با کسانی چون رمزی، کلارک (وربر بنشین دادگسری آمریکا)، رجا رادکام (عضو عالی‌رتبه‌سما)، یک کلام از سوافی‌های نخست وزیر منتخب خود با رکان با کسای جون ارتسند فرهاغی، ژنرال هویرر آمریکا‌ئی، و حتی یک سند از زمان ملیونیهاسخه‌ها اسناد ساواک را نه‌افشاء کرده‌وسه محوای آن را ساخته‌ها در زمان گذارده‌ونه‌حنی دستورالعمل‌سار اسامی عناصر وابسته‌ها ساواک و سایر ادارات ایران داده‌است. حال چگونه اسرار اسرار از صراحت داسن ساخته‌ها سخن میگویند و مسحواهد رازها را آسکار کنند مطلبی است که خود آیت‌الله‌باید برای بوده‌ها روشن کنند. اما واقعیت امر چیز دیگری است و قضیه "عدم بیها تکاری از ملت" آنقدرها هم مورد توجه بوده‌است. در این ارتباط سخنان سدا احمد خمینی فررسند برومند و سخنوی "امام" و توضیحات وی برامون ایسین ماجرا از هر چیز دیگری کویاتر و روشن‌کرتتر است. وی علم‌دانستار پیام را از سوی "امام" اسطور توضیح میدهد "اینان فرمودند که این باید منتشر نشود، برای آنکه ما جبری را از ملت پنهان نمیکنیم و در ناس به احتمال قوی، اینها ممکن است خودشان منتشر کنند و بعد یک چیزهایی فکر کنند و مردم هم فکر کنند که چیزهایی ربر برده‌اسند و...."

در واقع علت اصلی اسرار پیام را با زبان سربا سستی جناب سید احمد خمینی بیان میکند. آقای خمینی و مشاورین همیده بودند که به احتمال قوی خود آمریکا‌ئیها پیام را

جراغ سبزی برای پاسخ نامه‌ی آقای کارسر بود. کارسر و مشاورینش بی جهت و به ناگهان به ناد پیام فرستادن برقی حمینی نمی افتند. آنها بدون دلیل به کسی اظهار لطف نمکنند و اگر "اسعاد از خود" و یا حتی توبه هم نمکنند بدون دلیل و از سر لطف و دلجویی مسجاوار نیستند. آنها دفعتاً ممانع سرمایه‌داری آمریکا را همیشه و همواره مد نظر دارند و نقطه‌ی حرکت آنها در سراسر اینجا است. آنها از بحران سرمایه‌داری ایران و وضعیت ارتش بحوبی اطلاع دارند و میدانند که رژیم ایران در معرض شدیدترین بلاطبات سیاسی است. این مطالب را البته فقط آقای کارسر نیست که میداند. آقای بی صدر برریدیت محترم ایران نیز میداند. آقای فطزراده هم بحوبی میداند و دیگر روسا و رعمای رژیم سر ار کم و کیف اوضاع و احوال داخلی ایران با اطلاع هستند. در ضمن علاج این دردها سر برای طرفین روس است. بحران فعلی سرمایه‌داری ایران حر با کمک امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری غرب حل خواهد شد و نفویب و ترمیم سار و برگ آن سبزر جر ار طریح حمایت و کمکهای نظامی آمریکا غیر ممکن است. پس طرفین معامله سخت‌یکم یکدیگر نارمندند. چون سرمایه‌داری ضعف و بی سندی ایران بکر ار طریحی

ماه اول ماجرای اشغال "سفارت" کاملاً بیفج کارسر درمقابل سایر روسا و ار حمله کندی نسیب کرده بود هم اکنون با، انداره‌ای برسان کارسر شکل گرفته و سوزنه سدسد بحران اقتصادی در آمریکا و بانوانی کارسر در حل این معضل علیرغم قولهای فراوان فعلی، موضع سیاسی وی را به مخاطبانه انداحمه است. نتایج حاصله در استحضات مقدماتی دو ایالت آمریکا ساسی روس و غیر قابل بردند تغییر جهت یافس حرکات سیاسی در آمریکا در خلاف جهات فعلی است. و اس ساله شدت سوحب نکرایی کارسر و باید او در هیئت حاکمه‌ی امریکنا گشده است. کارسر درک نمکند که در سرائط حاضر و علیرغم بهره‌برداری های اولیه ار ماجرای "سفارت"، ادامه‌ی ماجرا دیگر بیفج وی خواهد بود و میبواند از این بیس محنه‌ی ساسی را بیفج روسا جرحش دهد. این امر البته دو حاسه و متقابل بود. رهبران رژیم ایران نیز برین اساس استفاده‌های بسیار اولیه ار ماجرای اشغال "سفارت" و تبلیغات تحمیق کننده بود خود، اکنون با روس شدن واقعبا مر و اوجگیری نارصائی های عمومی مردم ار مانورها و سکردهای هیئت حاکمه، ممرابه در صدند که زاد حل "مصلتی" و "مصلولی" برای ناسان دادن به

**پیام نوروزی خمینی اعلام جنگی علیه زحمتکشان و انقلابیون و چراغ سبزی برای نامه‌ی آقای کارسر بود. کارسر و مشاورینش بی جهت و به ناگهان به یاد پیام فرستادن برای خمینی نمی افتند.**

فیس مسجای سرمایه‌داری آمریکا نادر به ادامه‌ی حجاب خواهد بود. آری کارسر همه‌ی اس مسائل را میببند و آنگاه بیام میفرسند. لکن بعلت بحو ساسی موجود در ایران و حلال حاحهای مختلف رژیم حاکم، سام او با دسواربهای سر روبرو میسود. همه‌ی رعمای رژیم بدلائل مختلف، بان بمانت سرحورد نمکنند. آنالله حمینی بیبندسی نمکند و بیس ار اینکه دسور بلیع وسیع پیام کارسر را میدهد بساو دسام میدهد. آقای فطزراده پیام کارسر را "منسبت" ارربایی نمکند و حاح برریدیت بی صدر سیر برار آسهمه سحان برظمطی برای دو ساعه و هاهوی مردم فریب بالاحره به کارسر قول میدهد که در سوریکه در سطح علیی اسخدام نارصائی بکند، کروکابها را ار "داسجویان" بحویل خواهد گرفت و حواس دسرسه‌ی ایسان را جامه‌ی عمل خواهدیوشاند. بیس می بینم که پیام کارسر بهیجوجه ابدا ساکن بیسود بلکه پاسخ منسی بود به پیام حضرت آنالله و ساسهای فعلی که از طرف رهبران رژیم ایران با کاخ سفید برفرار تده بود. لکن ساله در همین حد خلاصه میسود. در جسد همه‌ی کدسه رژیم کارسر در آمریکا با منکلات فراوان داخلی روبرو بوده است. سرائط سیاسی آمریکا که درجسد

ماجرا ساسند با بلکه بحران ساسی داخلی را حدافیل سسار این دامن برسد و بقول معروف "عائله را حسم کند". همه‌ی اس ملاحظات متقابل کارسر را بر آن میدارد که در پیام خود سوسبند: "اشغال سفارت، مرور مسائل عمده‌ای برای حکومت سما و حکومت ما اتحاد میکند". درسا امزی که نا دبرور بیفج طرفین بود امروز مسائل عمده‌ای برای هر دو طرف ایجاد کرده که ممانع مفاصل حکم بحل سریع آن میدهد. کارسر حی برای صریح ساله و هوسار ساحتن اس طرف معامله در ایران به اینکه ادامه‌ی فضه‌ی "سفارت" دیگر بیفج ناس خواهد بود ادامه میدهد: "اس دلائل حدی برای تردید در انگیزه‌های واقعی آناسی که سفارت ما را تصرف کرده‌اند در دست دارم". بله. خود حناب کارسر که بدو اشغال "سفارت" را عکس العمل طبیعی عده‌ای ار جوانان بلعی سموده بسود، اکنون میکوند که بعلت بهره‌برداریهای سیاسی خاص در حال حاضر و حو ساملوب، در انگیزه‌های واقعی همین جوانان تردید میکند و خواستار آست که هر چه زودتر ماجرا فیصله پیدا کند. سفارت رهاسر، "پیام" کارسر ایست که: واقعه‌ای اتفاق

افساد. شما برد کردید. ما هم بردیم. شما اکسون  
سخواهد کوتاه سازند، ما هم ادامه‌ی جریان را سفع  
خود میدانیم. شما بدرستی آن عناصر ساده‌لوحی از "حط  
امام" را که امر برانسان مسیبه شده بود کومالی دادند  
ما هم حلو امراضهای خود را مکتربم و علیه سانبلسع  
نمکنیم. شما موجهی بهره‌بردارهای حرابکاران شده‌اند  
و با بنام بوروزی خود با آنها سوبه حساب کرده‌اید، ما  
هم از حرکت شما استقبال کرده و در این راه آخه در نوا  
داریم از کمکهای اقتصادی تا نظامی به شما دریغ نخواهیم  
کرد. بی‌کام آخر را نیز با هم برداریم و نا برای شما  
دیر شده و بحران اقتصادی و سیاسی بیش از پیش متزلزل-  
لنان نکرده و نا برای ما دیر شده و عدم آزادی کروکانتها  
موجب بهره‌برداری رقممان بنده نجسیم که گفته‌اند از ما  
حرکت است و از خدا برکت.

و اما مساله‌ی پیام کارتر صرفاً یک کوشش برای پایان دادن  
به بحران فیما بین و حل قضیه‌ی "کروکانتها" نبود. کارتر  
از این موقعیت استفاده کرده و نکات مهم دیگری را نیز که برای  
آینده روابط متمرشمرخواهد بود گوتزدمیکند. و بقولی در سبغ  
سبز نشان میدهد و از مزایای دمکراسی سرمایه‌داری آمریکاسخن  
میگوید.

و در توضیح مزایای دموکراسی آمریکائی میگوید "مزیت  
بزرگ دموکراسی آمریکائی این است که همیشه توانسته است  
اشتیاهات خود را شناسائی نموده و با آنها را محکوم کند" این خسود  
پیام آشنای دیگریست برای رهبران رژیم ایران بخصوص برای  
آندسته از "مخالفین" آمریکا که در و منزلت "دمکراسی آمریکائی"  
را نمیدانند و لجاجت‌های بیخود میکنند. کارتر با طرح این نکته  
هم دل زعمای حکومت ایران را بدست می‌آورد و هم برای مردم ایران  
تبلیغ دمکراسی سرمایه‌داری را مینماید تا از این روه آینه‌سده  
امیدوار باشند و بی جهت شمارهای ضد سرمایه‌داری ندهند چون بر  
طبق منطق او یا "دموکراسی سرمایه‌داری" است و یا "دیکتاتور-  
کمونیستی"، البته بلیات رژیم فاشیستی شاه نیز مربوط به  
خصوصیات و ویژه‌گیهای تاریخی - فرهنگی است و به هر حال مری  
مربوط به گذشته است و ربطی با نظام سرمایه‌داری ایران ندارد.  
کارتر بدین سوبله توید میدهد که آینه‌سده سرمایه‌داری ایران را در  
دموکراسی آمریکائی ببینند چون او خوب میدانده که نظام سرمایه  
داری که با سرمایه‌جهانی پیوند نزدیک و ارگانیک دارد و رشد و  
شکوفائی آن به چگونگی مناسبات بین‌جزء و کل بستگی دارد،  
لیکن او عمدتاً خود را به تجاهل زده و فراموش میکند که وجود  
مناسبات ارگانیک این جزء و کل نه تنها مانع از ایجاد شد بدترین  
و فاشیستی ترین نوع دیکتاتوری هادر ایران طی چند دهه  
گذشته نبود بلکه عامل ایجاد آن بود. اگر او فراموشکار است  
اما توده‌های مردم این سرزمین که در طول بیش از پنجاه سال  
اختناق و فشار و زور سرنیزه، دیکتاتوری را با پوست و  
گوشت خود لمس کرده‌اند، این واقعیت را هرگز فراموش نکرده  
اند و بتحربه دریافته‌اند که "دموکراسی آمریکائی" آقای  
کارتر چیزی جز دیکتاتوری عربان سرمایه برای زحمتکشان  
ایران نبوده است.

کارتر در آخرین بخشهای کلام خود خاطر نشان می‌سازد که

منطقاً دلیلی برای ادامه این تشنحات و ناسازگاریهای فیما-  
بین نمیبند خون به گفته او:

"من تصور میکنم نه‌اینا ما هدف واحدی را که صلح  
جهانی و برقراری عدالت برای همه ملل است،  
تعقیب میکنیم."

حرا کارتر چنین میگوید. آیا او صرفاً از این ابراز که  
رهبران آمریکا و ایران "هدف واحدی" را دنبال میکنند، قصد  
تعارف دارد. راستی چرا اینچنین است. آن "صلح جهانی"  
و "عدالت برای همه ملل" که کارتر حنایتکار از آن سخن  
میگوید نمونه‌اش در کجای دنیا ملاحظه شده است؟ در بمباران  
دهکده‌های وینام، در کودسای شلی، در قتل‌عام کمونیست  
های اندوسری، در کودتای ۲۸ مرداد ایران و... و در کجای  
دنیا بهتر از عملکرد فاشیستی‌ترین رژیم‌های ارتجاعی و دست  
راستی و ضد کمونیستی جهان میتوانیم آینه تمام نمای  
"صلح جهانی" و "عدالت برای همه ملل" را مشاهده کنیم.  
این و حوه مضیه و هدف‌های امپریالیسم آمریکائی کنون بر  
بسیاری از خلفهای جهان روشن شده و ما سنازی به تکرار آن  
نمیبینیم. اما یک وحه دیگر فاصله - رژیم ایران - هنوز  
برای بسیاری از خلفها ناروش است و باید که توضیح سبتر  
آن برداخت. کارتر خوب میداند که رژیم ایران با تمام  
لفاظیها و "مشروع" و "محدود" کردنهاش آن بالاخره یک  
رژیم سرمایه‌داری است. او خوب میداند که این رژیم  
ندیداً ضد کمونیست است. او میببند که چگونه به سرکوب  
خلق کرد و سایر خلفها پرداخته است و چگونه زحمتکشان را  
تحت فشار قرار داده است. ملاحظه میکند که چگونه ارتش  
ارتجاعی وابسته در ایران تقویت میشود و ژنرالهای  
عمر "طاغوت" هنوز سر کارند. این ملاحظات اگر هم سوئی و  
اشتراک منافع و اهداف را بین دو رژیم ایران و آمریکا  
نشان ندهد، پس چه چیز را نشان میدهد. همه این نقاط آن  
خط مشترک مطول را نشان میدهد که راستای آن حفظ حاکمیت  
سرمایه و ادامه مناسبات استثماری گذشته - البته در جامعه  
شرعی و اسلامی آن - خواهد بود. کارتر کار سماجت را در توضیح  
نقاط مشترک بین دولتین ایران و آمریکا حتی به افراط میکش  
ند، گوا اینکه طرف مقابل او در ایران هنوز متوجه قضیه نشده است.  
او بالاخره هشدار میدهد که منافع مشترک بجای خود اما اگر  
دیر بجنبیم کار از کار خواهد گذشت و دیگران از فرصت  
استفاده خواهند کرد و از این نمند نه برای شما و نه مسا  
کلاهی باقی نخواهد ماند. او اشاره میکند که تا دیر نشده  
حرکت باید کرد و از بازیهای بچه‌گانه دست برداشت. اوسعی  
میکند که خاطر انقلابیهای سوسالیستی جهان و قدرت یابی  
نیروهای کمونیستی و چپ‌را در شرایط بحرانها و تلاطمات  
اجتماعی، در ذهن رهبران ایران زنده نگاه دارد. آری تا  
دیر نشده باید کاری کرد و الا چپی‌ها و کمونیست‌ها نظام  
سرمایه‌داری ایران را واژگون خواهند نمود و سر مایی کلاه  
خواهد ماند. پیام او چنین است: "می‌خواهم جسارتاً اعلام  
دارم که بنظر من زمان و دشمنان واقعی نظام‌های سیاسی  
مربوطه ما به زبان ما مشغولند". ما هم با این پیام کارتر

# راه رشد غیر سرمایه داری

هونک محبی

## سراب یا واقعیت؟

علل اسباب این مقاله فرار از سرمایه داری است.

۱ - ترجیح دادیم که بررسی خود را بر پایه "سونه هسلی" سئورسینهای دساول نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" انجام دهیم و نه بر بنوشتهای کپی برداران دست دومی چون مفلدین حزب نوده. از این گذشته جریده "دنا" معرفی مقاله الیا - نسکی میبوسید: "... مقاله "ویژگیها و دشواریهای انقلاب ملی - دمکراتیک و راه رشد غیر سرمایه داری" در واقع نوعی نتیجه گیری از سئورسینهای طولانی این مؤلف و تجارب عملی موجود و حاوی نکات تحلیلی بسیار مهم و دسمن است و به بسیاری از ابهامها و پیچیدگیهای موجود در این مسئله پاسخ روشن میدهد..." (۱) (نآ کیدازماست). بنابراین ما منتهم نخواهیم شد که به نقد مقاله ای که همراه کننده و با نا پخته پرداخته ایم.

۲ - پروفسور الیا نسکی به یک محقق گمنام روسی بلکه "سئورسین" نساخته شده است که از ما حینظران نظریه رشد غیر سرمایه داریست و گذشته از این، بعنوان معاون بخش بین المللی حزب کمونیست شوروی در تعیین خطوط سیاست خارجی شوروی نقش مؤثر داشته است.

۳ - مقاله "ویژگیها..... غیر سرمایه داری" بسیار اول در نشریه "دنیا و اخیرا" - بعد از انقلاب - در جزوه ای بنام "راه رشد غیر سرمایه داری" - مقاله از الیا نسکی "انتشار یافته و وسیعاً بحث شده است. از این رو دسترسی به آن برای علاقمندان دشوار نیست. در ضمن مقاله دوم این جزوه - که بدون تیترو ما خدمت نرسیده - مقدمه ایست که الیا نسکی بر کتاب آندریو (A. Andriyev) بنام "The Non-Capitalist Way" (راه رشد غیر سرمایه داری) از انتشارات پروکرس (۲) نوشته است.

\*\*\*\*\*

"راه رشد غیر سرمایه داری" از جانب پروفسور الیا نسکی بصورت بدیل در مقابل راه رشد سرمایه داری و راه رشد سوسیالیستی، در کشورهای "دنیای سوم" طرح میشود. پروفسور الیا نسکی از راه رشد غیر سرمایه داری بصورت صورتبندی اجتماعی خاصی - با مؤلفات درهم تنیده اقتصادی و سیاسی - سخن میگوید که مناسب جوامعی است که تازه از زیوغ استعمار و امپریالیسم "رها" (حداقل به مفهوم استقلال سیاسی) شده اند و در مرحله پیش سرمایه داری و بارشدا ولیه سرمایه داری میباشد. آفتاب الیا نسکی در طول مقاله اش جنبه های مختلف راه رشد غیر سرمایه داری را توضیح میدهد. کوشش ما در این مقاله این خواهد بود که قدم به قدم ایشان را دنبال کنیم و سئولاتی را که بنظرمان میرسد طرح نمائیم.

\*\*\*\*\*

کوشش خود را بر این اساس آغاز میکنیم تا در مقاله آفتاب الیا نسکی تعریفی موجز و کمابیش روشن از راه رشد غیر سرمایه داری، بیابیم در این مورد ابتدا میخواستیم "راه رشد غیر سرمایه داری راه

از اوایل دهه ۶۰ "راه رشد غیر سرمایه داری" از جانب حزب کمونیست شوروی، بعنوان منظورترین راه تکامل و سریعترین طریق گذار به سوسیالیسم، برای جوامع "دنیای سوم" طرح و تبلیغ شد. حزب نوده ایران نیز طبق عادت مادر زاد، بمقدار: در سن آینه طوطی مفت انگارستم آنچه اسد ارل گفت کومیکوم

به محض طرح این نظریه از طرف تئورسینهای حزب "برادر بزرگ" به سرجمه ویکارش مقالات متعدد در توضیح و توجیه و نقدیستس آن پرداخت. بخصوص بعد از انقلاب و تجدید و تشدید فعالیت حزب نوده در ایران، و با توجه به ماهیت طبقاتی رژیم حاکم - که ما قبلاً در مقالات متعدد در این باره بر حوردیم - "راه رشد غیر سرمایه داری" به یکی از سلاحهای تئوریک حزب نوده در توجیه سیاستهای سازگارانه و ارتجاعی تبدیل شده است. اما شباهت است اگر تصور کنیم که این فقط حزب نوده است که از چنین نظریاتی پیروی میکند. این نظریات تحت توجیهای اپورتونیستی راست - گرا نانه در لایله نظریات بعضی از سازمانهای که در طیف چسب فرار دارند، نیز دیده میشود. و این چندان تعجب آور نباشد که ۲۵ سال دیکتاتوری سیاه محمدرضا ساهی جنین چ ایران را چنان در جدال مرگ و زندگی درگیر کرده بود که این جنبش در کلیت خود - به درازجا و استثناات - نه قادر به نقد ریشه ای و بیرحمانه گذشته خود و نه قادر به تحقیق و بررسی درباره مسائل جنبش کمونیستی گردید و در نتیجه کوله بار بطرات کهن را، با رنگی تازه و گاه آغشته به رادیکالیسم چپ کوبی ما نوشته دون، به میراث گرفت. از این رو هوسوزن و وسیعی از جنس چپ ایران در مکتب فکری - و نه لزوماً در حوزه های حزبی - حزب نوده پرورس یافته و از همان ریشه های نظری معذب میکند. البته اشتراک زمینه ای فکری لزوماً بمعنوم اتفاق مواج بر مسائل سیاسی روز نیست، اما کافی است که به برنامه های اجتماعی و دورمای تکاملی ای که به برخی از سازمانهای چپ - از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - عرضه میدارند توجه شود، تا بقول معروف دم جروس از لایقه بدر آید و اشتراک برنامه اسراتژیک ایشان با حزب نوده روشن گردد.

مقاله حاضر به منظور بررسی نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" نگارش یافته است. کسانی که با مقالات و مطالب توضیح دهنده "راه رشد غیر سرمایه داری" کمابیش آشنا هستند، میدانند که یکی از وجوه مشخصه این نوشتهات کنگی و چند پهلوئی آنهاست که راه را برای توجیهای مختلف و "بندبازی سئوریک"، بسیار میگذارد. برای روشن تر شدن مطلب تصمیم گرفتیم که مقاله بررسی "راه رشد غیر سرمایه داری" را بصورت برخوردیه یکی از مقالاتی که در توضیح "راه رشد غیر سرمایه داری" به نگارش در آمده بنویسیم. مقاله ای که مورد بررسی قرار میگیرد "ویژگیها و دشواریهای انقلاب ملی - دمکراتیک و راه رشد غیر سرمایه داری" نوشته الیا نسکی معاون بخش بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی میباشد.

سرماهداری سوسیالیسم، سرحدراست؟" (۳) (با کندیارالنا - نمکی است) و همچنین ".... امروز دیگر سردیدی باقی نمانده که راه رشد سرماهداری آمار لافامله ساختمان سوسیالیسم است" (۴) (با اسخاروس بندکه راه رشد غیر سرماهداری چه چیز است). و از آنجا که خود نویسنده به کمبود اظهارات نوی واقفاست این سؤال را مطرح میکند که "آیا در دوران ما راه های دیگری نیز سرماهداری و سوسیالیسم وجود دارد؟" (۵) از اینجا منتظریم با تعریفی مثبت از راه رشد غیر سرماهداری، یعنی تعریفی که اس راه را در چهارچوب مورسنندی های اجتماعی (Social Formation) کماتس روشن کند، عرضه شود. اما پاسخ آقای البانفسکی بفرار ربر است: "نمایش برای آنکه برای مفهوم "راه رشد غیر سرماهداری" از نقطه نظر خاص ثئوریک، و صرفا منطقی تعریف سطحی و محوری فاضل کردم، بیاچار به یعنی آن منجر میگردد...." (۶) (با کندی از ماست)

حال روشن است، آقای البانفسکی روشن نمیکند، که چرا این مفهوم را بعنوان منطفا و از نظر ثئوریک تعریف نمود و مهمتر اینکه چرا این نمایش به یعنی "راه رشد غیر سرماهداری" منجر نمیشود؟ اگر واقعا بندهای "راه رشد

بلکه بر عکس، رسمیه را آماده کند و محیط مساعده برای نحدت ساختمان سوسیالیستی جامعیه وجود آورد. عبارت دیگر، راه رشد غیر سرماهداری بحقی و طائفه رشد اقتصادی حال با مراعات دور نمای سوسیالیستی است." (۸)

(تا کندی از ماست)

مگر محتوای یک مورسنندی اجتماعی را میتوان با تحولات عقلی و با بعدا میسریم هستند مشخص کرد؟ منطقی و رار ترقی اقتصادی چیست؟ چه برقی اقتصادی ای هست که رسمیه را برای سوسیالیسم آماده نمیکند و مانع حیددی در راه سوسیالیسم میآیرید؟ اگر سرماهداری در جامعهی عقب ماندهای (مانند طفار) سریعا رشد کند، زمینیه و محیط مساعده برای ساختمان سوسیالیسم نشتر میشود و با کمر؟ و.... در ارتباط با تعاریف فوق میتوان سئوالات متعددی که نشان دهندهی کنگ بودن آنها باشد طرح نمود. کویا خود آقای البانفسکی نیز به کنگ و کلی بودن اظهارات واقفاست که هشدار میدهد که:

"میتوان گفت که اندیشهی حرکت نحو در راه برقی بحرهمری دموکراتهای انقلابی کمک عبارت "راه رشد غیر سرماهداری" کاملا دقیق نشان شده است.

**آقای البانفسکی میگوید که نحت شرا بعد کنونی جهان نیز هیری خرده بورژوازی میسریم است. تحولات اجتماعی را با دورنمای آغاز سوسیالیسم انجام داده و زمینیه را برای چنین ساختمانی فراهم آورد. او چنین حرکتی را از طرف خرده بورژوازی کشورهای جهان سوم نه بیسک استثناء بلکه بعنوان نقشی تاریخی در دوران کنونی می پندارد. و این البته خصیمیهی جدیدی برای خرده بورژوازی است که تاکنون تاریخ سوسیالیسم تاریخی به آن دست نیافته است.**

این طرح اس تری بلا برید را دارد که ما را در اوج بحریات تاریخی امروز فرار میدهد، نه آنکه از آنها عقبمانیم، اما همچنین به آنقدر جلو برویم که مانس با واقعیت را از دست بدهیم. هر گونه تلاش برای وارد کردن آنچه دو و صراحی در مفهوم راه رشد غیر سرماهداری که در واقعیت وجود ندارد، به اتحاد یک سمت کسری سیاسی غلط منجر میگردد." (۹)

(تا کندی از ماست)

هکسکس آقای البانفسکی انتظار دارد که آنچه را که در واقعیت موجود نیست در مفهوم "راه رشد غیر سرماهداری" وارد کند. اما آیا تعاریف فوق آنچه را که در واقعیت مصر و سودان و سوریه و عراق و سومالی و برمه و... موجود است کاملا دقیق بیان نموده و ما را در اوج بحریات تاریخی فرار داده است؟ بلا تردید حیر. بنظر ما آقای البانفسکی نیز باسن امر واقفاست و موعظه و نصحت آخر نیز برای جلوگیری از فضولی های بیمورد و ایجاد حسن "گناهکاری" در کسانیکه پیش از حد "مجاز" سؤال نمایند و خواستار دفت و صراحت شوند، نگاشته است. دست پین گرفته که پین نیفتد. این همان شیوهی شناخته شدهی نوده ایسی مبتنی بر اینکه "زاد سوال نکن که گمراه

نیر سرماهداری در جهان واقعیت وجود است - که ما سر ادعای البانفسکی این حسن است و مصر، سودان، سوریه، سومالی و... نمونه های زندهی آن میباشند. و اگر ایس واقعیت در ذهن آقای البانفسکی و دیگر محققین هسسم نظریان منعکس شده و شکل گرفته - یعنی مفهومش مشخص شده است. پس چه مانعی در راه تعریف ثئوریک آن موجود است؟ اسه در طول مقاله تعریفهای متعددی از راه رشد غیر سرماهداری عرضه شده است. اما هیچیک از این تعاریف اس راه را بعنوان مورسنندی اجتماعی خاصی و تبدیلی در مفاسل سرماهداری و سوسیالیسم عنوان نکرده و از حد کلی کوئی- های سهم فرار صبرود. بعنوان نمونه نه دو تعریف ربر سوچه کند:

"محتوای راه رشد غیر سرماهداری در مرحلهی کنونی بطور عمده عبارت است از تحولات صدامبرتالی و عمومی دموکراتیک که عقلا سرمیه دارد و ولسی با دور نمای سوسیالیستی تحقق پذیرد." (۷)

(تا کندی از ماست)

و بیا:  
"محمل و سرت راه رشد غیر سرماهداری عبارتست از آنکه برقی اقتصادی با وسائل و شیوه های نامیس کردد که مانع حیددی در راه سوسیالیسم نباشد،



منشوی" است .

اما ما به فصولی خود ادامه میدهیم . تا مل در تعارف ۷ و ۸ ، ذکر شده در بالا ، نشان مدهد که حتی اگر مفاهیم کاربردهنده در آنها - همچون نرفی ، رصیدی اقتصاددی ... روش بودند ، باز منظور ما حاصل نمیند . زیرا میداسیم که از هر بدیده ای میتوان تعاریف متعدد عرضه نمود که هر یک جنبه ای از آن بدیده و گوشه ای از واقعیت آنرا روس کند . در عین حال هر تعریفی نیر بدیده رادرمفولدی حاصی کنجائده و سان میکند . تعریف مورد جستجوی ما آست که "راه رشد غیر سرمایه داری" را در مفولدی صورتبندی های (با سامانهای) اجنماعی بیان کند زیرا که ادعا و نطفه ای آغاز بحث آقای البانفسکی فیاس این راه با دو صورتبندی دیگر (سرمایه داری و سوسیالیسم) و عرضی آن بعنوان تبدیلی در مقابل این دو میباشد . ضمنا بسا سوحه به امکانات جمععی حزب کمونیست شوروی و تعدد و سحر محققین آن ، و همچنین تجربیات "راه رشد غیر سرمایه داری" که لافل ۱۰ مورد آنرا آقای البانفسکی سام میبرد ، زیاد نیست اگر انتظار داشته باشیم که ناکسون مفهوم این راه جدید بیان و تعریفی تئوریک یافته باشد . با وجود اینکه آقای البانفسکی از تعریف تئوریک "راه رشد غیر سرمایه داری" ظفره مرود ، در طول مقاله "سخنات و حبه های مختلف این راه را - که وی برای کمونیستهای تمامی کشورهای "دنیای سوم" تجویز میماید - بوضیح مدهد . این توضیحات اگر چه بسیار عام هستند و کلی ، اما در لابلای آنها میتوان خطوط هدایت کننده ای یافت که مارا به کنه "راه رشد غیر سرمایه داری" ببرد و آنچه را که آقای برمسور از ما دریغ نموده ، سما نشان دهد .

### ماهیت طبقاتی دولت ، جهشی به عقب در تئوری دولت :

یکی از منحنیات مهم - اگر نه مهمترس - "راه رشد غیر سرمایه داری" ، ماهیت خرده بورژوازی در رهبری ساسی جامعه است ، که از طرف تمامی مدافعین این نز طرح مسنود . آقای البانفسکی نیز این مطلب را ، اگر چه بسا سابدروشنهای لازمه ای مهم گوئی ، قبول دارد . متلا در مقایسه با قدرت ساسی در انقلاب سوسیالیستی شوروی (با قبول او "تجربه" معروف ظفره رفتن ار راه سرمایه داری " ۱) وی مسوبید :

"تک تفاوت مهم میان راه رشد غیر سرمایه داری و تحریکات معروف قبلی ظفره ردن ار راه سرمایه داری در اتحاد جماهیر شوروی عبارت از آست که تحولات اجماعی نه تحت رهبری پرولناریا و احزاب مارکسیسی - لنینیستی ، بلکه تحت رهبری روشنفکران ضد امپریالیست رادیکال و انقلابی دموکرات که تحت تاثیر نیرومند تئوری و یراتیک سوسالیسم جهانی و جیس کمونیستی و کارگری جهان فرار دارند ، انجام مسگیرد ." (۱۰) (تاکید از ماست)

از نظر علمی این روشنفکران ضد امپریالیست و رادیکال - که رهبری تحولات اجماعی را در اختیار دارند - ماورای اقتدار و طبقات موجود در جامعه مسنوانند فرار کبرند و برنامه ای اجماعیشان در کلیت خود عمدتا مسعکس کننده ای حواستها و منافع فسرو یا طبقه ای خاصی است . نقل فولهای زیر ماهیت طبقاتی این روشنفکران را از دیدگاه البانفسکی روسن مینماید :

"دور نمای راه رشد غیر سرمایه داری از بسیاری جهات وابسته به موضع روشنفکران نماینده ای خرده بورژوازیست که بر مسند قدرت نسنه اند ." (۱۱)

(تاکید از ماست)

"تکی نیست که دستگاه حاکمیت ساسی در کنورهائی که راه رشد غیر سرمایه داری را می پیمایند در دست نمایندگان روشنفکر خرده بورژوازی رادیکال است ...." (۱۲) (تاکید از ماست)

لازم است که در اینجا بدرک برمسور البانفسکی ، و در واقع به "سط" مفهوم علمی دولت از طرف ایشان اشاره کنیم . انگلس در کتاب "منشاء خانواده ، مالکیت حموصی و دولت" و سیس لنینی بطور جامع در کتاب "دولت و انقلاب" ، دولت را بعنوان نماینده ای سیک طبقه و ابزار اصلی اعمال سیادت (دیکتاتوری) آن ، تجزیه و تحلیل نمودند . ما شو سه دون با "سط" ، و در واقع به التناط کشدن مفهوم دولت به اعمال دیکتاتوری منسرب خلق مشکل از "جهتار طبقه ای ضد امپریالیست" (پرولناریا ، بورژوازی ، خرده بورژوازی و دهقانان) ، یک کام بلند عقب ، بدوران مباحثات و برنامه های کوتا وارصورت ، برداشت . امروز آقاسی البانفسکی و طرفدارانان کامی فراتر بعقب - بدوران پس از مارکس - برداشته و بر خلاف ما شو سه دون که لااقل از نظر صوری بدولت طبقات معسقد بود ، دولت را نتیجه ای حاکمیت ساسی منسربک ملغمه ای مشکل از یک طعه (پرولناریا) چند قشر خرده بورژوا و جید عنصر (۱) بورژوا که در امتحان "موضع ضد امپریالیست گرفتن" رفوزه شده باشد ، میداسد . نقل فولهای زیر از این نظر کونا است :

"... باید دولتی که سراه رشد غیر سرمایه داری مبرود یعنی دولت دموکراسی ملی بطور صحیح تعریف شود . این دولت عبارت است از حاکمیت ساسی یک ائتلاف اجماعی وسیع زحمتکنان که در آن پرولنار - ریای رشد یافته ، فسره ای خرده بورژوازی در شهرو روستا و همچنین عناصر بورژوازی ملی که از موضع ضد امپریالیستی برای تکامل مترقی اجماعی وارد عمل نده اند شرکت دارند ." (۱۳)

(تاکید از ماست)

و اما ویژگی دیگر و بسار مهم راه رشد غیر سرمایه داری - یا در واقع ویژگی رهبری خرده بورژوازی آن - آست که آگاهانه در خدمت سوسیالیسم ۱۱ و با زمنه سازی برای آن کام بر میدارد . این مسئله ، بعلت اهمیت و نقش اساسی ۴ که در این نظریه دارد ، مبحث بخش بعدی را تشکیل مدهد .

## «خرده‌بورژوازی رادیکال»، و دورنمای سوسیالیستی؟

با روشن شدن ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم در جامعه‌ی آقای البانفسکی، طبیعتاً این سوال پیش می‌آید که دور نمای جیس جامعه‌ی نئی - که خرده‌بورژوازی بر آن حاکم است - چیست؟ آقای البانفسکی پاسخ میدهد که تحت شرایط کسوی جهان - که ما در خطوط آینده با شرایط خواهیم پرداخت - این رهبری خرده‌بورژوازی میسواند تحولات اجتماعی را با دور نمای آغاز ساختمان سوسیالیسم انجام داده و ریشه را برای جیس ساختمان فراهم آورد. اینرا نیز اضافه کنیم که وی حسین حرکتی را از طرف خرده‌بورژوازی کشورهای "جهان سوم" به یکداستان، بلکه بعنوان بخشی تاریخی در دوران کسوی، میدارد. و البته این حتماً جدیدی است برای خرده‌بورژوازی که تاکنون ماریالیسم تاریخی بدان دست نرفته، از اینرو بررسی و بسوی آن لازم است.

میدانیم که خرده‌بورژوازی خود به نتیجه و نه حاصل ماسبات تولیدی خاص خود است. یعنی نه مانند سوررواژ در جریان رشد نیروهای تولیدی و تقوی و کنترنش - سوهی تولید سرمایه‌داری، خود صورت طبقه برجسته از این

میکردد. نوده‌های حاصل از جنس نخزیه‌ای لزوماً سورا و بطور اتوماتیک هویت طبقاتی خاص نکرده و عموماً با مدتی - که طول آن نسکی سرعت رند و نکوین سرمایه‌داری دارد - صورت محمی بیناسنی، سیال و متغیر، در بهمه‌ی اجماع خود را نشان میدهند. موقعیت جدید اجتماعی این لایه‌ها - و در واقع بی‌شباتی نوع شرکت اینان در تولید - امکان ظهور شعوری نوس، مسفل و ناسات را ناسن لایه‌ها میدهد. ناس مسئله باید نیروی بازدارنده‌ی ماد دهی (۱۴) را نسر اضافه نمود که موجب میشود با فاصله‌ی زمانی قابل سوهی ما بین نقش جدید تولیدی نکلایه با ظهور شعوری منطقی بر این نقش، برقرار باشد. این مسئله‌ی آخر یکی از دلایلی است که باعث میشود با حتی گروهائیکه به بارار فروش کار وارد شده‌اند و از این نظر همانند کارگران هستند، از نظر شعور و آگاهی ناس مدی در گذشته رندکی کند و تکه‌گاه مطمئن ذهنبات آشنای پیشین را به آسانی رها نازند، ناس زمانیکه واقعبمادی رندگی انسان و آمیرش آنها با دکر کارگران زمینهای حدائی از گذشته را فراهم آورد. بدین ترتیب عنصر غالب در ذهنبات این مجمع بینا بینی و در حال نحره، همان تفکرات گذشته است.

## آیا تعاریفی که آقای البانفسکی در مورد "راه‌رشد سرمایه‌داری" ارائه میدهد، آنچه را که در واقعیت مصر، سوریه، عراق، سومالی، برمه و... موجود است کاملاً دقیق بیان نموده و ما را به گفته او در اوج تجربیات تاریخی قرار داده است؟ بیا نریدیم.

ساده‌بودن و در سن حال حاضر کسری دهنده‌ی آن سرصهی وجود نای منکذارد، و نه مانند طبقه‌ی کارگر است که اگر چه در دامان سرمایه‌داری و بحسطلطهی بورژوازی رسد منکند ولی حامل ماسبات جدیدی است که خاص اوست و فقط او میسواند ساختمان آنرا آغاز کند. از این نظر منکوشم طبقه‌ی کارگر حامل ماسبات نوین است که بر خلاف طبقات دیگر، در جریان ساختمان سوسیالیسم به نفس خود آگاه است و بدون آگاهی طبقاتی - و صرفاً از طریق رند امکانات فنی تولید - شروع به ساختمان ماسبات نوس امکان پذیر نیست. اما امشار مختلف خرده‌بورژواژی خرده تولید کنندگان مسفل، دقیقاً بخاطر نوع شرکتشان در تولید، از هر گونه دور نمای خاص خود محروم میباشند. در حوامع مورد بحث ما، جوامعی که از یک جانب بخاطر گذشته‌ی استعماری خود، سرمایه‌داری جهانی در آنها نفوذ نموده و از جانب دیگر، بار گذشته بین سرمایه‌داری و عقب مانده‌ی خود را حمل میکنند، بخش وسیعی از مردم هنوز جایگاه طبقاتی معینی پیدا نکرده و بصورت جمعی بی‌هویت در حال گذار از فتری به فتری دیگر و با از طبقه‌ای به طبقه‌ی دیگر میباشند. نفوذ سرمایه‌داری در این حوامع و خصوصاً تولیدی آن، گروه بندیهای پیوسته اجماع را سنت کرده و موجب نخزیه‌ی کما بین سریع آنان

انار خرده‌بورژوازی دهان وسب دندمان از مررهای تکه زمینی که مالکتن هستند، و با آرووی نملکش را دارند فراتر میروند. نه با اقتصاد رند باعه و مکانیزه نده و نه با تولید جمعی خو گرفته‌اند که دورنمایی از ادارتی جمعی و شورائی تولید را در ذهن خود مصور ناسد. اگر از نفوذ زور امرون سرمایه در دهات بیماکند و در مقابل آن مقاومت میکنند، این بخاطر دفاع از تولید کوچک خود میباشند، برای حفظ شرایط امور و کدسه است و نه برای سوتن به جلو.

امبار خرده‌بورژوازی شهری - چه آن سحتن که ناس مابده‌ی اقتصاد کلاسی پیشین و اصناف میباید و اصطلاحاً "سنتی" خوانده میشوند و چه آن بخشی که راده‌ی بیونسد اقتصاد محلی با سرمایه‌داری جهانی است و اصطلاحاً خرده - بورژوازی "جدید" خوانده میشود. هجکدام دورنمای اجتماعی خاص و قابل نحقی نداشتند و بخصوص زمینه‌ساز آغاز ساختمان سوسیالیسم نمیتوانند باشند. خرده‌بورژوازی "سنتی" خواستش حفظ مالکیت و با مالکیت دوباره‌ی دکان و ساکارگاهی است که ممر معاسن هست و با بوده و مقاله - این با رشد سرمایه‌داری بخاطر حفظ این مالکیت و سودآوری آن از طریق استثمار شاکرد انبساطی بکار گرفته است. جامعه‌ی مطلوب او جامعه‌ی تولیدکنندگان کوچک است که در آن

فدرسی ماورا، الطبیعه ( مذهب ، اخلاق) سرمایه را بسوی  
سواوی بین انسان تقسیم کند و از انباشت زیاده‌ی آن در  
دست‌رحی تبدیل و اینان به سرمایه‌دار بزرگ جلوکبیری  
کند . تعادل این جامعه‌ی مطلوب و قدرت ماوراء الطبیعه  
زمانی به خطر می‌افتد که فزونی سرمایه در دست‌کروهی  
از تولیدکنندگان و باوآرداب ، قسمت‌کالاها را با بیشتر  
از ارزش مبادله‌ی آن برای دیگر تولید کنندگان بکشدارد .  
بهر حال حسن جامعه‌ای - که مومنین به تحقق‌بخشیدار کرد -  
این الطبیعی بین‌نیستند - نه تنها با زمینه سازی برای  
ساحمان سوسیالیسم و حرکت بسوی سوسیالیسم و امثال این  
ادعاهای آفای البانیسکی هزاران فرسنگ فاصله دارد ، بلکه  
بر عکس در جهت خلاف آن راه می‌پیماید ، خواستار حفظ تولید  
کوچک ، کند کردن آهنگ‌رشد سرمایه‌ی ناست و در نتیجه بالا  
نگاه داسس نرخ استثمار ، جلوگیری از رشد نیروه‌های  
تولیدی و ... می‌باشد و از اسیرو و از دیدگاه مانربالیسم  
تاریخی عقب‌گرا و ارتجاعی است .

بخش "حزب" حربه بورژوازی ، خود مولود کسرس بیبوند  
سازار محلی با سرمایه‌داری جهانی و حاصل فرا شد ، کسرس  
سرمایه‌ی جهانی در مرزهای ملی می‌باشد . این بخش‌ساز  
حربه بورژوازی ، که عمدتاً در بخش خدمات و با در موسسات  
امضادی مدرن داخلی و با مخلط ، رشد کرده ، شکوفائی و  
آینده‌ی اقتصادی خود را درست در کسرس‌رور امروز سرمایه  
داری و روزنه‌های درآمدی لزوماً برایش ایجاد خواهد نمود ،  
می‌سند . اختلاف‌بار سرمایه‌داری از حد جک و چانه بر  
سر حقوق و مزایا و امکانات ترقی در بوروکراسی دولتی  
با ترکیب‌های خصوصی نجاور نکرده و مهمتر اینکه از ظرف‌رسانی  
و اخلاقی ، فرهنگ و اخلاق بورژوازی غربی را کاملاً پذیرا کشته  
و در واقع بهترین تسمه انتقال این فرهنگ - آنهم در سطحی  
نرس شکل خود - به حوامع عقب‌مانده می‌باشد . این فشار  
دورنمائی جز تبدیل شدن به بورژوا ، جز بالا رفتن از بلک  
سرفی دولت و بلکان مدرسیت‌شکله‌های خصوصی ندارد و کعبه‌ی  
آمالس را در راه سوسیالیسم که در دامان سرمایه‌داری  
پیرسده‌ی غربی حینجو می‌کند .

با اینجا مخصوصاً به مقوله " حربه بورژوازی  
رادیکال" که نه کرات از جانب البانیسکی و دیگر مدافعین  
راه رشد غیرسرمایه‌داری با آن اشاره می‌سود ، سرخورد کردیم .  
زیرا که این مقوله در استدلال‌طیف مدکور نفسی محوری دارد  
و برداشتن به آن بطور جداگانه لازم است ، زیرا اسطوربنظر  
میرسد که به زعم ایشان ، این فشر از حربه بورژوازی تمام  
آن صفات لازم را برای حرکت بسمت سوسیالیسم و زمینه‌سازی  
سوسیالیسم و غیره دارا می‌باشد . ابتدا تذکر دهیم که  
" رادیکالیسم" یک صف‌سیاسی است که ریشه پیدایش آن را نیز  
باید در مجادلات پارلمانی اواخر قرن هجده در انگلستان و  
اواثل قرن نوزده در فرانسه حینجو نمود . در حینش‌جسپ  
جهانی - و بالاقل در ادبیات حینش‌جپ ایران - این مفت‌به  
نوعی در مقابل صفت محافظه‌کاری فرار گرفته و بناگر حوامع  
و ظهور حرکت‌به فراسوی مرزهای مجاز و سکسن سنته‌های  
معموله‌ایست که محافظه‌کاران در صد حفظشان هستند . مثلاً

کرارا" در ادبیات معموله ایران" بورژوا رادیکال" و یا  
" ناسیونالیست رادیکال" در مفائل" بورژوا محافظه‌کار" و  
" ناسیونالیست محافظه‌کار" نگار رفته است . (۱۵)  
اما اگر این تعریف متداول را نقطه حرکت برای شناخت  
و درک حربه بورژوازی رادیکال قرار دهیم و همانند ساده -  
انکاران که قدرت‌ساختان از حد جمع و تفریق فراتر نمی‌روند  
بخواهم از این طریق به جزیه و تحلیل حرکات بالفوه و  
بالفعل " حربه بورژوازی رادیکال" بپردازیم ، قطعاً راه را  
به آسباه رفته‌ایم و از صد علمی به دور افتاده‌ایم . ابتدا  
باید بپرسیم که این " حربه بورژوازی رادیکال" کدام قشر  
از حربه بورژوازی است و چه مقامی در تولید اجتماعی دارد -  
و اطلاق صفت رادیکال به آن چه ویژگی‌هایی را مشخص می‌کند  
و بالاخره آیا این ویژگی‌ها می‌تواند این خاصیت جدیدی که طرح  
سده - رهبری جامعه با دورنمای سوسیالیستی و با ایجاد  
ریشه‌هایی برای آغاز ساحمان سوسیالیسم - را توضیح دهد یا  
خیر؟

از میان لایه‌های مختلف حربه بورژوازی عموماً " بائین  
نرس لایه‌های روسائی و شهری را متصفه صفت رادیکال  
منشاید . می‌گوئیم عموماً" و نه همیشه زیرا اولاً همانطور  
که قبلاً اشاره کردیم حدود و نفورمفهوم " رادیکال" مواج  
است و ناسا" کم نیستند عوامفریبانی همچون حزب‌نوده که  
بر اساس مصلحت‌رور گاهی تمامی و گاهی بخشی از خسرده  
بورژوازی را به یک خرخش‌فلم" رادیکال" متصفه‌اند و در آش  
تله فلکار " تحلیل" های خود بصرف مرسا‌سند . حال خوب  
است که در احوال این رده‌های " بائین" حربه بورژوازی شهری  
و روسائی دقیق شویم تا علت و نوع رادیکالیسم آنان معین  
کردد . (۱۶) رده "پائینی" دهقانان در واقع آن طیفی هستند  
که اگر چه صاحب‌نکه زمینی و با چند راس‌دام می‌باشند اما  
کارمزدوری بر روی املاک دیگران و با کارمطلی در شهرها  
بخشی مهم از درآمد آنها را تشکیل داده و بدون این منبع  
فادر به ادامه رست نیستند .

محدودیت ابزارتولید تحت سلک ایشان عموماً " برای همه  
اعمای خانواده‌شان نیز اشتغال کافی ایجاد می‌کند ، چه رسد  
به اینکه دیگران را نیز به استثمار بکنند . این وضعیت  
و فقر نانی از آن ، امید این فشر راه توسعه مالکیت خود  
بطور روزافزونی تضعیف کرده و آنبده بصورشان در نهیدستی  
سئرومالا از دست‌دادن همان ابزارا جبریتولیداست . در شهرها  
رده‌های بائین حربه بورژوازی را ، در نغارن با دهقانان  
فغیر روستا مسوان بصورت طیفی که معاش خود را از طریق  
کار با ابزارمحدود خود و بدون استفاده ممتد از کاردیگر  
دست‌مآورند منحصر کرد . ایشان که اکثراً با دهقان -  
زاده‌اند و با پس‌رانده افشار سنتی حربه بورژوازی شهری  
، با ابزارناجز تولید خود ، سحتی به معاش خود ادامه  
داده و در واقع جزئ فقیرترین ساکنین شهری می‌باشند . انتعا  
آنها عموماً " نامنظم است و کوچکترین بوسان و وضعیت‌افتش  
آنها را به تکب و بی‌کاری بیشتر می‌کشد . بر خلاف افشار  
مرفه‌تر ، این بخش دورنمائی برای رشد و توسعه و رونق ما -  
لکیت و فعالیت اقتصادی مستقل خود نداشته و از آن قطع

امد کرده اند. ایان آن گروه اجتماعی هستند که هرروز بیسر دستان از مالکیت همان ابزاراجیز تولید نهی میکردد و به حرکت فرسندگان بیروی کارزدیکتر میکرددند. این کرپشن مادی خود را در شعور آنها بصورت ناامیدی از حرکت بسوی بالا - بسوی افشار مرفه و صاحب ابزار تولید - بیان مینماید. ایان همراه همسنگان روسائی خود، همان سهدستان شهر و ده میباشند که از موقعیت کنونی خود بیزارند و از چشم انداز آینده نگران و وحشزده. رادیکالیسم ایشان، در مقایسه با محافظه کاری لایه های بالاخر خرده بورژواری، با شی از فقر و سهدسی است، برآمده از ناامیدی است. ایان در زندگی امروز خود و نظم حاکم بر آن چیزی ندارند که به حافظن دلنسد باشند. به امروز ذلتبار و به فردای بی جسم انداز و نامطمئن اررش حفاظت را دارد. از ایترو فایلیت و بنا سبیل این گروه های شهر و ده - و بخصوص در شهر که سلطه فرهنگ خرافی و مذهبی کمتر است - برای پذیرنی تعمیرات بنیادی و بویژه دگرگون کردن و برهم زدن نظم حاکم بمراتب بیستر از دیگر لایه های خرده بورژواری بوده، و شهر و انگار و نور مبارراتی ایشان در دوران انقلاب و طعمان حنمکبر است. اما این رادیکالیزم بهمین جا حسم میشود. رادیکالیسم برخاسته از فقر و نومیدی، خود را در تحریک و نابودی نظم کهن تجلی میدهد و نه در ساحمان آینده، و بخصوص به در جهنگیری بسوی سوسیالیزم. ربراکه سهدستان یاد شده در فوق ههنوز با پرولتاریا، با تولید سبجیده ی صنعتی و دسجمعی فاصله دارند. همسنگی گروهشان در حد کمک و همکاری ای است که سهدستان بطور طبیعی در محلات زندگی و سکونت خود بین خود ایجاد میکنند. همسنگی را در بروسی تولید سافه و از تولید و ماززه ی دسته جمعی درک ابتدائی دارند. شعور ایشان هنوز سکل شخصی بحد کرفنه و بر خلاف لایه های مرفه تر خرده بورژواری که لامل در ذهن خود تصویر - هر چند پندارگرایانه و غیر واقعی - از آینده ی مطلوب خود برورآنده اند، این بخش تصویر روستی از نظام آینده ی دلخواه خود ندارند. از این جهت در ساختمان آینده نه پیسرو که دنیال سه رو هسند. منواسد دنیال حسین انقلابی کارگران روان شود و تعمیرات اساسی بسادی مورد نظر حسین حسین را، از آنجاییکه قادر بحل مسائل آنان میگردد، بذرا شوند. از رادیکالیسم برنامه های اجتماعی کارگران نمی هراسد و آمادگیشان برای آمزش با کارگران و جذب اندیشه های کارگری زیاد است. ولی همه ی اینها مشروط به وجود حسین کارگری بسا برنامه ی انقلابی است. در غیر اینصورت، همسنگ سهدستان بدنیال بورژواری و با افشار دیگر خرده بورژواری روان خواهند شد، نه حر سواری و جویدستان این افشار بدل شده وسواسند حتی صوف حرب الله را بر کنند.

"رادیکالیسم"، ایبار، در خونت کور جماق بسه دستان حزب الله تجلی مینماید. ♦ **ادامه دارد**

۱) گروه "راه رشد" سرمایه داری - ۲ مقاله از الباسنگی

۱۲) ۲ از همسنگ خرده (۱۴) ۳ از همسنگ خرده (۵) ص ۲ از همسنگ خرده (۱۶) ۲ از همسنگ خرده (۷) ص ۲ از همسنگ خرده (۸) ۱۴ از همسنگ خرده (۹) ۵ از همسنگ خرده (۱۰) ۱۱-۱۲ از همسنگ خرده (۱۱) ۲۰ از همسنگ خرده (۱۲) ۱۸ از همسنگ خرده (۱۳) ۱۹ از همسنگ خرده (۱۴) مادیاتی حرکتی دهی، معاومنی است که خرده هسای اجتماعی بعلت وابستگی های فرهنگی و سببی در مقابل تعمیرات کربرا بدتر از خودشان مندجند. واره مادم هم عرض وارد استری *Inertia* مینامند و علت انجاب حسم وازه شی مفا سیرت تعمیرات و حرکت شعور ایشان با تعمیرات و حرکت یک حسم مینامد. هرچه مادی یک حسم بسیرراند، سرعت حرکت حسم سیرر و آمدن صربه و سب روستی به آن کندتر است.

(۱۵) واره "رادیکال" در سبه دوم فرن ۱۸ در مساجرات بارامی انگلستان سوخود آمد و سخن گفته. حاجی از بورژواری گسه حواس بر فرمهای نالرمایی بود. سهد. رادیکالها دستسایح رفرمست حرب لسیرال را سبکیل منداندند و افراد سراسر آنها با اندار جان اسنوارت حمل نام برد. در فراسه جمهوری حوها ن رادیکال در سالهای ۱۸۲۰ سکل کرفسند. حرب رادیکال "در سبه دوم فرن ۱۹ ساسی سدود را و احر فرن به دوسخ "حرب رادیکال و "حرب رادیکال سوسالست" منسعدند. هر دو حرب در زندگی ساسی و دولتی های بورژواری با قبل از حرکت دوم نفس موسیری انعامودند (کلما بسوار رادیکالها در سال ۱۹۰۶ به حسب وریری رسند و هر سو ارادیکال سوسالست سها در سال ۱۹۲۴ حسب وریر بد. عموماً "در محادلات ماسن حاجن مختلف بورژواری آن حسن راکه در کسب آزادهای دموکراسیک منبر سروه سروه و بسب سها دهای حاطه ارانی آزادهارا انا وجود محدودند و دسب به سکل موری این آزادهای بطور سبک سیردنیال می سوده و ناآخره ساسا حسن سرحی "معابت" سسسم سرمایه داری رفرمهایی را حبت رفیع اسن "معابت" و سبقت سفا دنیاسی طرح می سوده، به صعب "رادیکال" منصف سکرده اند. اسن حاجن بورژواری بخصوص در دوران تکمیل انقلاب اجتماعی اروا - فرن ۱۹۰۸ - به مبارزه ای حدی با ائتلاف سئودالها که از آرخس سکرهای حود دفاع سسمودند و حسن دسئری از بورژواری (بالبا "بورژواری سحاری و مائی). سرحواسند. در سس حبت و بخصوص در سراط آن رور حهان، حود و سوز معهوم "رادیکال" دنیفا "روس سبب" تعریف معادل اسن وازه که مادیاسی مقاله ار آن اسفاده کرده ام لروما "حاصد سسب تعریف سبب و طبیعا "اگر تعریف حاصد سسب عرصه نمود، منواسد در سستان معاهیم و حبت ساسا بسود مینماید.

(۱۶) سروضح است که سسسم سدی مقاله کتونی از حدرده - بورژواری بسا کلی است. رمایی که سوجه حود درانه حاصد های حاص معطوف کسبم، لانه های مختلف خرده بورژواری آروا سبب و دنیفا سسمود، و خلق و حوی و شعور آنها را نه صرفاً "سرمسای موقعیت اسان در سولند، بلکه همحس نادر سطر کرفس آداب و رسوم و سس تحلیل سوده و فراسد نحول اسن افشار روشن سب در ساف ♦



# کردستان

## تدارك جنگی جدید

سهراب افشار

اردستگاههای آن به نفع چهارم سا زدگی و صرف نظر از پیش توسط ساه پاسداران منظور ا حراج کارگران انقلابی و آگاه ، نقلابیات و فحاشانه در انتخابات و هجوم به کردستان همگسی از یکنا های کمرضا بذر رژیم حکایت میکنند ، برای رربم راه رهایی سها در یک کلمه خلاصه میشود : امنیت و یاد ر واقع سرکوب ، برای کسرس نظام سرمایه داری در ایران ضروری است که هر چه سر راه است خرد و نابود و همه ی مفاومت ها درهم بکنند این در همان درجات اول شامل حمس مفاومت خلق کرد میشود . رسالت انجام این امر از جانب دولت جمهوری اسلامی به عهده ارتش ، سپاه پاسداران و جاش ها است . در مقابل اس اتحاد مقدس ! ملت کرد و سا زمانهای سیاسی ررمیده ی آن ، سا برجسا ایستاده است .

برای ملت کرد خود مختاری ، یعنی شکل مناسب اعمال حاکمیت ملی بر سر زمین مادری ، مسئله ای حیاتی است ، خلق کرد این مسئله ، حسابی را با مبارزه خنده یکی از مشکلات اساسی رژیم تبدیل کرده است ، این امر چنان واضح است که رژیم زندگی خود را در مرگ جنش کردستان می بیند ، برای اوسرکوب جنش ملت کرد بمشائیه ی گام بلندی در جهت استقرار امنیت است و به همین دلیل است که هر چند وقت یکبار شا هدیم خیزهای برای برداشتن این گام هستیم . هجوم احبر به کردستان به بهانه ی مانور از این جمله است ، اما آنچه در مورد ادعای رژیم مبی بر عدم دخالت پاسداران در وقایع اخیر جلب توجه میکند ، ایس واقعت است که بورژوازی عمدنا "به نیروی سرکوب گزارشش تکیه میکند و ارتش رفسه رفسه جایگاه خود را در حکیم مناسبات سرمایه داری بازمیابد و با لاقول هدف این است که چنین شود گرچه این ادعای دولت از نقطه نظر مافع ملت کرد مافدهرگوبه ارزشی است و بران ایس ملت ستم دیده ارتش ، پاسدار و هر ارگان سرکوب دیگری صرفا "یک ارگان سرکوب است و با بدبا آن مقابله شود ولی اشباه خواهد بود اگر تضادها و تقاضات درونی نیروهای سرکوبگر فراموش شود . سپاه پاسداران که بعنوان یک نهاد ارتجاعی در دست مرجع ترین عناصر هیئت حاکمه قرار دارد عدم لیاقت و کماییت خود را در یورش ۲۸ مردا دسال گذشته بروز داده و این بهانه ی حوی بدست ارتش میدهد تا از یک سوگرایی را که هنوز در مورد وقا داری اوسه نظام شاهنشاهی وجود دارد بدیزدایدوازی دیگری درگیر شدن در یک جنگ واقعی رفیب پاسدار را از صحنه ی رقابت بدورا بکنند هم چنانکه جناح بورژوازی هیئت حاکمه که نما بدده تام الاحنا رش بی صدر است همیشه و هر لحظه در پی غریبال کردن قدرت دولتی بورژوازی از پس مانده های خرده بورژواست . ارتش نیز این رسالت را در رابطه سا نیروهای مسلح

با پایان فصل ریمان و امکان حرکت بیشتر نیروها مسلح علیه خلق کرد ، بهانه حوتی ها ، ماورها و بالاحره حملات آسکار نیروهای رژیم علیه مردم و سازمانهای خلق کرد شد گرفته است . "پیام تاریخی امام" که در آغاز ریمان و پیوار یکسهای ارتش و پاسداران ، در آن "عاجزانه" بقاضای صلح و صفا مسکرد تا همه را بحجاب خرکوسی فرو برد ، در آغاز بهار ساکهان مبدل بسسه صخو اما تاریخی سنی صدر میشود که در آن بجای الماس عاجزانه ادعا میشود که گلوله را با نوب حوات خواهد داد!! و جالب و کوبا ایس است که در این چندماه فاصله دو پیام حرکت مهمی بر که بهانه ای بدست رژیم ایران دهد علیه ارتش و پاسداران صورت بگرفت و الماس عاجزانه ! امام در عمل بخاطر سازگاری باره ای ار حریبات سیاسی در کردستان و سایر نقاط ایران موجب ازدیاد بوهم توده در مورد صلح طلبی هیئت حاکمه شده بود . کسانی که به پیام امام لبیک گفتند و بدون ساحت از ماه سرزم آرا برای توده مردم نوجیه کردند اکنون با باد به عدم ساحت خود افتان کنند و با به عوامقر بی خود . فصل زیمان به پایان رسد و نو بهار ، تکوفسه های نوب را برای خلق کرد به ارمغان آورد . اینهم سک نحره دیگر از رژیم و از سارسکاران .

بهر حال رژیم اکنون در تدارك حملی وسیع حویس به کردستان است و مفا بکنناخی مانند ظهیر براد را ما مور "ماور" نظامی و "فتح کردستان" نموده است . در این مقاله به انگیزه و اجسار رژیم در ایس لکرکی و امکانات جنش مفاومت در رابطه سا حریبات عمده مبارزاتی در کردستان اشاره میشود . امید آنکه ازدیاد آگاهی چپ در مورد کردستان و عملکرد رژیم در این منطقه به سایر جهات حرکت رژیم نیز معمم باند و بکنار برای همیشه مایه سرمایه داری در وراه کلاه و عمامه بسحص داده شود .

\*\*\*\*\*

سیستم سرمایه داری ایران در بحرانهای اقتصادی با جنگ لاینحلی دست و پا میرسد ، رژیم برای خلاص شدن از جنگ بحران مردم به حبله ای متوسل میشود و با هر حبله بیشتر به ورطه بحران فرومی غلطد .

کنتاریسی کاران اندیمک ، که برخواست حق طلبانه ی کار اصرار میکردند ، تعطیل کردن کارخانه ی چوکا و مفا دره ی تعدادی

برگمن صحرا، حوا با بدن غائله کردستان، غلبه برغول سنکاری، بمعده درانگیدن با نری و غرب، و آفریس "سرب سو" انا دآور شعارهای ناررگان شد. این که آفای بی مدرمی نوا بر سلسله جهایی خود را حاصه عمل بیواند، فضا و آن سرعه شده ی آیندگان است با نایدم در تاریخ نابلسون دیگری زاده است و ما خبرداریم. اما اگر حال لیردا زنیهای بی سروده آفای

بی صدررا کنار بگذاریم و به واقعیت وجودی او بعنوان یک سیاستمدار بورژوا و پیردا زبیم، تصور اینکه او در برقراری نظم قدیم ساکمی دستکاری اسلامی موفق خواهد بود خوش بینانه است. او کردستان را در پیش رود دارد. برای دولت بنی صدر و هر دولت دیگری سوژوائی مسئله ی کردستان، مسئله ی مرگ و زندگی است. (البته باید توجه داشت مرگ یک دولت سوژوائی مرگ مقام سرمایه داری است. کردستان نمی تواند مساسات تولیدی را در ایران دگرگون کند، این وظیفه حطیر سرعه دهی طفله کارگر ایران است.)

در برنو این شناخت که تضاد درونی هیئت حاکمه هر روز به میزان قابل ملاحظه ای موحودیت سیاسی رژیم را که در اثر شناخت بیشتر نیروهای مردمی، در راه لرزل کام برسد دارد به دید می کند، سکه شدن بوهما بحس وسیع ارسوده ها

بعیده دارد. معده احرص و آرخرده سو رو واهای در قدرت نیستن ار آن است که در مسائل حریف سرعظم فرود آورند، بهمین دلیل چه در عرصه ی سیاست و چه در میدان جنگ، پاسداران دوش سدوس ار نی در سرکوب آزادیخواهان، ملت های محاسم، کارگران و زمینکسان و در به کلوله نیسن سنکاران شرکت دارند. این وضعیت خاص سرعده ما با نایذیری ار مشکلات احما عیبی و اعما دی برای دستکاه حاکم و سز موحب سو رو و مصطلاب و حل شیها در حین کمیونسسی ایران سده است. گرچه بررسی همه حاسسه و موسکافانه ی این مسائل سرعه دهی این رساله نیست اما احما "نه اها بی نکات ا تاره سنود.

هسکا میکه در روز ۱۲ فروردین سال گذشته مردم به پیای صدوق های رای رفتند تا جمهوری را بجای سلطنت نه قدرت سننا ننند و رافع با محبوا و نکل رهرا ندوم عملا "رای خود را به یک نظم سوژوائی علیه نظم سوژوائی دیگری دادند. ار این سن حکومت در دست اشلاهی ار بورژوائی و خرده سوژوائی فرار گرفت و ار همان زمان جنگ و جدال آنها سرعه قدرت آشکارو بهان، اما بطور مداوم آغاز زد. آنچه بر روی صحنه های عیان حاصه، در را دیو و نولونیزون، در مطبوعات سرسرده، در کوجه و حنا با ن سمانی گذارده سده، و جد و تفاهم این دو عنصر مو، بلعه بود، اما در سب سجد در حطاب سو رای اغلاب و دولت، در مذاکرات

**آیا دولت قادر است جنگ تمام عیاری را آنطور که در مخیله میپروراند در کردستان برآه اندازد؟ بنظر میرسد که جواب به این سئوال لااقل در حال حاضر تردید است و دلیل این است که دولت دیگر نمیتواند افکار عمومی ایران را بر علیه کردستان برانگیزد و دیگر از بسیج شورده های میلیونی سوی کردستان و جنگ با کفار خبری نیست**

و نران بدن ما محب و انعی رژیم بنا و تربت برای آن و وضع فلاکت با روگمرشکی افتادی، زمین ریربای سبسم سرمایه داری ایران را به لرزه انداخته است و بحران اره سو هجوم آورده است بحراسی که تا معزا سخوان پوسیده رژیم سرمایه داری ایران سفوذ کرده، بحراسی که در اوج بیکاری رژیم را وامیستد دارد کار حاه ها را بسبب، بحراسی که بی اعما دی توده ها را به رژیم رمایی نشان داد که کمتر اریمی ار رای دهندگان در انتخابات

مجلس سو را شرکت کردد. در چنین اوضاع و احوال اعما ری که دولت در آن بسر مسرد مسئله کردستان شکل دیگری بحدو میگیرد و این سئوال به دهس حطور میکند که آیا دولت قادر است جنگ تمام عیاری را آنطور که در مخیله میپروراند در کردستان برآه اندازد؟ بنظر میرسد که جواب باین سوال لااقل در حال حاضر مورد تردید است و دلیل این است که دولت دیگر نمیتواند افکار عمومی ایران را بر علیه کردستان برانگیزد. دیگر از بسیج شورده های میلیونی سوی کردستان و جنگ با کفار خبری نیست. فراخوان سالروز جمهوری اسلامی دولت در کنار خود میلیونها گوش بفرمان ندید، و در یک کلام دولت قادر نیست پشتوانه ی توده ای مناسبی برای جنگ در کردستان پیدا کند. برای دولت از این هم درد ناک تر وضع داخلی ارش است، سلسله مراتب و فرمان برداری کورکورانه از فرماندهان بمنزله ی اساسی ترین اصول

خصوصی آتات عظام و در حطاب محس احزاب در قدرت. ردوسد سانداری، کلاهبرداری و نضاد و حوصوب در حران همبکی خود بود. گاهی این محاصبات، با وجود "اماسداری" همسه حاصهای در کبر در قدرت، در حاصه سربا ر مگر دو با هر مسود عسی آن ار سحنی ارسوده ها سو هم ردائی مسند. در این میان سکت سیاسی - نظامی رژیم در کردستان میرع تا یک ساره برده های بوهم را در در کسه سانهاری اسعال حاسوخا سه و حریانی که معافا "مورب گرفت دوباره حینسی کادب برای رژیم در سحنی از توده ها ر معان آورد. ارش پس کله مسائل احما عیبی سبب الشعاع "دللا و رنها و رشادهای" داسجوبان حظ امام فرار گرفت و ار جهات کوبا کون انراب ریان بساری بجای گذاست. بعد از این کودتای حاسبگرا نه خرده سوژوائی، کفه قدرت به سفع اوستکین برسد، بورژوائی اکبر معافات و مناصب دولتی را ار کف داد و موقتاً "عرصه را برای سرکنسازی رقیب حالی کرد، اما سر حوادث حکم ضرورت مناسبات اجسگ نه به میل خرده سوژواها بلکه با ب طبع سوژوائی در گذر بود انتخاب بی صدر که فاطمیت علیواری در تشبیت نظام سرمایه داری دار در رنگ خطر را برای رهبری خرده سوژوائی به مسدا در آورد. بی صدر بورژوا با مسک آزادیخواهی پایه میدان گذاشت، و با شعارهای، استقرار امنیت، العای مراکسز متعدد تمصیم گیری، مجلس هما هنگ با رئیس جمهور، آرام کردن

از زماندهی همواره مورد توجه و تبلیغ ارتش‌های نوزوانی بوده است اما نه برکت انقلاب بخشی از ارتش، بخش بیساز آن‌ها و این فاعده سربیزی کرده است و لذا ارتش فانداندهی منسجم و مطلوب برای حکم طولانی است، آنچه دولت نوسط ارتش بخواهد در وحده اول در کردستان براه اندازد بلوا و آشوب است، با امسی است، جنکهای موضعی است و بسرو قدم بعدم، با از اس طریق بر فتر و بیکاری کسب کرده کردستان دامن برید و ناامی و آشوب را دلیل موجهی برای عدم امکان اقدامات عمرانی فتمداد کند و در نتیجه بوده‌های مردم را از حکم حسه و به آرامش متمایل نماید و نهایی نیروهای سیاسی و بخصوص کومه‌له را از نگاه بوده‌ایمان جدا کرده و آنگاه اقدام به طمع سلاح نماید. آیا در این دسه جیبی دولت موفقی خواهد بود یا نه؟ جواب‌های سوال در این بپفنه است که سازمانهای سیاسی در کردستان چه مواضعی اتخاذ خواهند کرد و نا چه اسداره در سئور افکار توده‌ها تاثیر خواهد گذاشت و این به موقعیت اجتماعی و طبقاتی هریک از این سازمانها بر میگردد.

خلق کرد نرها و نرها در طول صد سال اخیر بحاضر احقا و حقوق نامال سده‌ای سمارزه بر خاسته است. این سارزات همواره سکل مسلحانه و خونین بخود گرفته‌اند. با سونالسم کرد (کوردانه‌ی) بمشابهی روتنای سیاسی و عمدتی انقلابیهای کردستان بوده است. اما محتوای طبیعی اس سارزات در هر مرحله از روند تکامل اجتماعی جامعه کردستان نوع خاصی از رهبری طبقاتی را سرورایده است. تاریخ ساهد رهبری عثمانی - فتودالی - سوزروانی اس سارزات بوده است و نیز ساهد آن بوده است که هرگاه طبقات باریحا ارجاعی در صدر جیش فرار کرمه‌اند، آنرا یا به کجراه کسانده‌اند یا بدان حبات کرده‌اند. مثال سبار گوی به کجراه کساندن جنبش جمهوری مهادد منجما نقش حزب دموکرات و در اس آن قاضی محمد است. و نمونه‌ی حیات به جنبش کردستان در عراق ملا مطفی نازانی است.

اولی سناهی تاریخی حرکت سوزرواری نو یای کسرد برهبری حربی بود که از کرمین زمان اسالین دستور میگرفت و شخص فاضی محمد سمل اس سارزات کر چه با پایسدازی و سهادت خود نشان داد به آرمانهای طلب کرد و فسدادار است ولی دلایل عیدده‌ای منجمله عدم شرکت فاطع دهفانسان که یک جنبش سوزروا دموکراتیک از آن سراب میشود و نسر حیات فتودالیسم کرد و مهمتر از همه وابسته بودن جنبش سواست جمهوری را مسمر کند. اما قضیه ملا مطفی چیز دیگری است، او سنایده‌ی فتودال - سئره‌ی کسرد و سفاقت مرتجع بود. حیات آنکار و همکاری صادقانه‌ی او با تمام دستگاه حاسوی امپریالیستی و تسلیم طلبی سوسانه‌ان در سال ۱۹۷۵ بعد از توافق ناه و مدام حسین در الجزایر به وساطت و حیات بومرین مسئله‌ای است که سنها برای حیره‌خواران قیاده‌ی موقت و نیز جماعتی از سوسینه‌های کرد در پرده‌های ابهام باقی مانده است.

تفاوت سحیت فاضی محمد و ملا مطفی در انحراف اولی و حاسبتی سروای دومی است. ویدستان سس کردستان با بيمودن فرار و سست‌های فراوان و مسمر محور این مباررات به برکته و از برکته به عراق و از عراق به ایران اکنون در مرحله‌ی س سوست‌سازی فرار دارد. سرح - سدهای سلتج تاریخی، سکشهای بسرار سبروری اساکه سانه کراسنهای اس سبرای انقلابون امروز کردستان و کومه‌له که با سوسل به آنها راه صحیح و انقلابی حس کردستان را با سکبه س سوده‌های رحمتکس و سارمانده‌ی و سکل آنها و سیدیر اسدئولوزی مارکسسم - لسینسم و حل مسئله ملی از اس طریق، با حد امکان ساسند. آنچه کومه‌له را در این راه یاری رسانده است جیس س شکوه سال ۴۶ - ۴۷ بوده، سس بارز انقلابی کموسیستی ساسد اسما عمل سرف - راده (کاک سمسکو) و سایر انقلابیون سساندلسیمان و عبداللیه معینی، ملا آواره، ملا محمود زکته و... این جنبش سواست در سهای ربادی به انقلابون امروزی بدهد و در واقع کومه‌له محمول و سمره و ادامهی طبیعی و مطفی جیس با تمام آن سلهاس. حینی که نانون ساشدن آن کرچه دلایل زیادی میسواند سانه ساشد اما سبفیده ما عمدا "بدلیل عدم توانائی در سمرار کردن بیسند مبارزاتی با انقلابون دیگر ایران بود. کومه‌له اس وظیفه‌ی عقیم ساشده را باید با تمام سراسد و راز موقعیت او در همین است. حزب دموکرات که از اعتبار و سبف تاریخی و جمهوری مهادد اسفاده سسکد اکنون سسزله‌ی حزب سوزروازی و حرده سوزروازی مرهه کرد عمل میکند. بدون آنکه سواسته با سیم سسش جز بدموکرات را در کل جنبش کردستان و اوجگیری آن سادیده سبکیریم و سرحی مواضع سوتر و متبت آنرا از فلم سبندازیم باید توجه را بسین معطوف کنیم که از لحاظ طبقاتی تمام حزب دموکرات و دولت تفاداشتی ناپذیری نیست. سفا سوزروازی کردوشوونیم قدرت طلب فارس بر حایتی به وحدت بدل سوادشدا گره‌آیم سسح کمونیسیم به واقعبینی انکار نایدیر، به سبروشی سادی در میان طعه‌ی کارگر و زحمتکشان کرد و فارس سببیل کرده. و اگر ناکتون سارش واقعی بین اسبندو صورت نگرفته دلیل آنرا باید در معادلات جهانی جستجو کرد. برای سنی - صدر غربی که حزب دموکرات را عامل سوزوی میداند، چنان سازنی در دستور کار هنوز قرار نگرفته است. اما دور - نمای حریانات سیاسی ایران و کردستان چنین توافقی را غیر ممکن سواهد کرد.

از دیگر سیره‌های موجود در کردستان میتوان از فدائیسیم نام برد. فدائیان که بعد از فیم از حالت یک گروه سیاسی به یک سارمان وسیع بی در و پیکر سببیل شدسد در سراسر ایران توانستند بسمن فعالیت روزهای فیمام و سبفهی درختان مبارزاتی، سسشرش وسیع پیدا کنند. اما در کردستان آنها بطور عمده در میان روشنفکران که به مواضع سیاسی آنها آشنا هستند دارای اعتبار و نفوذاند و به دو دلیل در میان توده‌های کرد پایگاه ندارسد: اول آنکه برای فدائیان مسئله‌ی ملی مسئله‌ی فرعی است

در حالیکه برای بوده‌های کرد مسئله ملی کر چه نهایتاً عیب خود را در بان و کار و رمن می‌ناید اما مسئله ۴ فی النعمه حاشی است و دوم آنکه فدائیان در طول ۱۰ سال مبارزه‌ی خود علیه رژیم شاه هیچگاه در کردستان کسه انصافاً ریشه‌های مناسبی برای مبارزه همواره در آن وجود داشته است، فعالیتی نداشته اند، و گذشته از این مواضع اخیر سازمان جریکها چه در کردستان و چه در اسراء از گرایش مفرطی حکایت میکند، اس در تحلیل نهائی چه مرمانی به حسن کمونیستی ایران خواهد زد بحث دیگری است، اما در همین زمان حال نائیز نامطلوب آن در کردستان به رای العین مشهود است. در کردستان فدائیان حرامان حرامان سوی مواضع حزب دموکرات در راهند. بنا بوجه به سابقه طولانی دوسی حزب دموکرات با برادرپرک بر حزب بوده و با مسکو، چه سرنوشتی برای فدائیان انتظار میکنند؟ عده‌ای مکتوبید لوکومونیو حزب شده با آخری واکن خود فدائیان، آماده‌ی حرکت است. آینه صحتا سقم اس کفشار را اسات خواهد کرد. در پایان اسبباط کلی خود را باین ترتیب تریخ میکنیم:

دولت در مقابل کردستان موجودیت خوش را در خطر مسید در حالیکه کنار کردستان امدهای زیادی بسه استقرار نظم جوس دارد، دولت زمانی در کنار کردستان فرار خواهد گرفت که بتواند مسئله ملی را به طریقی حل کند، اس طریقی از چه محرائی خواهد کدس، چه شکلی پیدا خواهد کرد، و بنا چه خصوصاتی بیور میکند، فابل بیس- سیمی قطعی بسوالی قدر مسلم اینست که جنک سراسری، حک همه حاشه، مراد اس با سبودی رژیم اما ایس حک برای ملت کرد سر دستاوردهای برابری خواهد داشت اگر هر آینه در اس فاصله بیود ارکابیک زحمکسان کرد با طبعی کارکر ایران فراهم نسود.

بکنه‌ی دیگر اینکه با وجود مماسات حزب دموکرات با دولت، و اپوروسسم راست حاکم بر می فدائیان کسه آنان را از انجام اعمال انقلابی بار ممدارد، نه کومهله است که با اتخاذ مواضع صحیح تا بحال توانسته اس خود را بمنزله‌ی دشمن اصلی بدولت بصولاند، در این راه کومهله را سازمانهای چپ‌انقلابی ایران در حد توانائی و امکانات باید باری دهند ولی این امر نباید بهیچوجه خالی از اشغاد رفیقانه از مواضع سیاسی-ایدئولوژیک کومهله باشد.

### پیام کارتر... .

موافقم که دشمنان واقعی نظام های سیاسی ایران و آمریکا ( رژیم های سرمایه‌داری دوکسور) در شرایط حاضره زبان این نظامها سخت میکوشند وبه امر مبارزه مشغولند. ولی منافسا نه علیرغم میل باطنی آقای کارتر وهم فطاران ابرائینان، در این مورد کاری نمینسود کرد. این منطق تاریخ است. سرانجام تاریخی نظامهای سرمایه داری بحب هر رژیم سیاسی وبه هر صورت که سازمان داده شده و نظم پیدا کند بالاخره سبودی است. وباز هم منافسانه علیرغم تمایل آقای کارتر و شرکاء، انقلابهای صد سرمایه‌داری که معنائی جزانقلاب سوسیالیستی ندارد بهمراه نظام سرمایه، رژیم های سیاسی مولود آبرا نیز از بسخ و بن ربه‌کن میکند. ممکن است استحا وآنحا دراتر آسباهاب وضعفح، بوهماپ اندئولوژ- یک توده‌ها، حبله و نزوسر نیروهای سرمایه‌داری وهرمحلل دیگری انجام این انقلابات به تسوبق بسفند، لکن وسوع آن دیر بازود محتمل و احتساب نایدیر است وهسخ نیروئی حسی تسوغ مشاورین آقای کارتر و رنک و روعن اسلامی رهبران سیاسی ایران، نمیتواند از بیروزی آن جلو کسرد.

فته نامه  
**رهائی**  
نشریه  
سازمان وحدت  
کمونسی

## رفقای هوادار، هموطنان مبارز!

سازمان ما جهت گسترش فعالیتهای مبارزاتی خود بویژه در شرایط حاضر که ریشه‌های مساعدی جهت رشد و اعتلا سازمانی بوجود آمده، کسه کمکهای مالی سخت نیازمند است. حمایت های مالی شما، سازمان را در سسرود هدفهای مبارزاتی و بویژه در رسیدن بسعه‌ی فعالیت های مختلف، باری خواهد داد. در این راه هر جقدر که میتوانید و بهر وسیله‌ی ممکن کمکهای مالی خود را به سازمان برسانید.

## توضیح

مغایلات بیرون امضا، سیاستگر میبوانند سیاسی و نقطه نظر سازمان در مسرود موهومات مطروحه میباشد. مساللات با امضا، هرچند در چهارچوب خط منی و میبایست همومی سازمان قرار دارد، اما لزوماً نمایانده نمیکند کمیسریده بومج سازمان نظمی نمیشود.

## تصحیح

در رهایی شماره‌ی ۲۷ و ۲۶، در مطلب "کراری از فعالیتهای آیدالیه‌سرو ساهی"، سرل ساس وی سملط در سل امیر سهادر ذکر شده که صحیح آن خیسان ساسور، کدر وزیر دفت سمساد.





# زیمبابوه



## نگاهی دیگر

اجرا یکی از اعضای کمیسیون بین‌المللی سازمان سک‌میلیم سمپتور مساعده و بررسی اوضاع سیاسی، به ایران آمده بود و مقاله‌ی زیر را برای سریه‌ی رهائی برسنی بحریر در آورد. این رفیق خود فعالانه در حسن‌همسنگی با زیمبابوه درگیر بوده و از این نظر با اطلاعاتی که در اینباره دارد جسم‌اندرهای وسیع‌تری را در مقابل خواننده‌ی ایرانی فرار میدهد بویژه اینکه مقالاتی که تاکنون در سرنه‌های حزب‌ان درباردی زیمبابوه منتشر شده‌اند، از حد اطلاعات عمومی و اعلام همسنگی کلی فراسر برهنه‌اند.

سازمان سک‌میلیم، سازمانی است که بعد از مبارزات‌شده‌ای سالهای ۱۹۶۸، در انگلستان بوجود آمد و در بسیاری از نظریات و خطوط ایدئولوژیک (بعنوان مثال مبارزه‌ی سیاسی با مائوئیسم، اسالسیسم و بروسکیسم بعنوان حربانات‌انحرافی) و مد تحلیل با سازمان ما نقطه‌ی اشتراک دارد.

سروری نیروهای آزادی‌بخش زیمبابوه در فوریه (اسفند ۵۸)، از نقطه نظر استراتژی بسیار فاطح بود طی یک اسفغال وسیع، راتو (ZANU) - اتحادیه ملی آفریقای زیمبابوه - و راتو (ZAPU) - اتحاد حلیق آفریقای زیمبابوه، ۸۷٪ آراء و در نتیجه ۷۷ کرسی از ۸۰ کرسی مجلس را کدرای "نمایندگان ساه‌نوس" کبار کدارده شده بود، دست‌آوردند. این پیروزی حتی از آنجه که هواداران حوس‌بین آنها انتظار داشتند، بزرگ تر بود، و برای نیروهای امپریالیستی که انتخابات را برتیب داده بودند، بسیار شوک‌آور بود.

اما بطور کلی، این پیروزی با پیروزی که فرلمو در مورامسنگ‌سا حتی متلا در آنکولا دست‌آوردند، متفاوت است. پیروهای ذکر شده بعد از در هم کوسدن دولت سرمایه‌داری استعماری بقدرت رسیدند، حال آنکه نیروهای آزادی‌بخش زیمبابوه وارث یک دولت سرمایه‌داری استعماری شده‌اند که هنوز دست‌نخورده باقی مانده است. آنکوبه که نشان داده خواهد شد، این تفاوت بسیار مهم بوده و منعکس‌کننده‌ی اوضاع عمیقاً تغیر یافته در آفریقای جنوبی بطور کلی در طول ۴ سال گذشته است.

### نگاهی به گذشته

پیروزیهای فرلمو و متلا در سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ ضربات شدیدی بر امپریالیسم بودند که بر ضربه‌ی بسیار سخت‌تری عظیم مردم و سنا

اضافه شد. این پیروزیها بلافاصله منجر به تشدید مبارزه‌ی مسلحانه توسط نیروی مسلح زانو، رانلا (ارسن آزادی‌بخش ملی آفریقای زیمبابوه) کردند، با عبدالهام قیام سوتو در آفریقای جنوبی شد، روحیه‌ی نیروهای سواسو (سازمان خلق جنوب غربی آفریقا) را بالا برد، و سز به دو بلاس نام موفق برای آزاد کردن ریشتر دامن زد. اطلاعات ناگهان در تمام جنوب آفریقا در دستور کار قرار گرفت و امپریالیست‌ها ناگهان حس کردند که ممکنست منابع وسیع طلا، رانیموم، کرم و پلانین و تعداد دیگری از مواد معدنی مهم و یک منطقه‌ی مهم استراتژیک در سکنه‌ی نظامی امپریالیسم، علاوه بر منابع اصلی سود سرشار را از دست‌دهند.

کاری باید انجام می‌گرفت. حادثی اولیه توسط سناستمدار سرخشت امپریالیست، کسینجرو سواوران او ترا شد. آنها علاوه بر اصلاحات محص در آفریقای جنوبی سعی در به براهنه کاندن مبارزه در نامبیا، شروع به اتحاد بغیراب وسیع در نوارن پیروها در زیمبابوه کردند. آنها با حلیق جنوب آفریقای جنوبی، موفق شدند نژاد پرست سرخسارودزایی بان همست را مفاعد به بدترش "سواق داخلی" سناشند، با این صورت که قدرت در واقع در دست سعیدها باقی بماند و کسی در ظاهر به سیاهپوستان داده شود و هم زمان با این امر خصوصیت‌گیری برای مقابلت با نیروهای آزادی‌بخش بکار رود. تقریباً در این زمان سواسو

یعنی در سال ۱۹۷۷ - که کارد سلوس (پیرو و بژهای متنگل از ساهپوسایی که در خدمت رژیم بان اسامیت بودند) شروع به فعالیت کردند. آنها به لیگ جریکها در آمده و به میسورهای مدهی و دهات حمله می‌کردند. حکومت نظامی رژیم بشدید و منحربه دستگیرهای وسیع و کشتار اشخاصی که سجوی در رابطه با حرکتها بودند کردند. با تلاش رژیم برای جلوگیری هرچه بیشتر از جدت مردم مبارزین آزادی‌بخش، بر جمعیت اردوگاهها احیاری، با نفول رژیم "دهکده‌های حفاظت شده"، افزودند. و عملیات باهی "اعزاز کردند. این یکی از حوسب‌آمیزترین تاکتیکهای طراحی شده توسط رژیم برای فرار دادن سوده‌ها از حک بود. محصولات با سوزند، فرونگاه‌ها با سطل کسند. مقدار غذاهائی که در سهرها عرضه می‌شدند بسیار محدود بود. این سادگی بی‌سک سیاست فحظی بود و با شراب آرایم‌میان بی اهمیت تصور کرد.

اما آن اسراربری که برای طرح اولیه کسینجرو در حال تدوین شدن بود، حتی بی‌حیده‌تر از این بود. در حالیکه اسقف موزوروا بعنوان "رهبر" جدید ساهپوسان تبلیغ می‌شد، رژیم رودریا خرابکاری در اقتصاد زانیا را آغاز نمود. در حالیکه سنها راه رامبیا برای فراهم کردن کودکما وری - که برای تولیدکما وری زانیا بسیار ضروری است - از رودریا عبور می‌کرد، خطوط اصلی راه آهن رامبیا مفعر شدند. با مینترتیب ارتاحاشکه با یکاه اصلی راپودر رامبیا بود، رودزایی‌ها مینوانستند بر یکی از

حماهای حسن آرادسجن فارس مستقیم  
تکدار است .

### انتخابات

بدین ترتیب ، در هنگام انتخابات  
" داخلی " اول ، حسن سراطی حاکم بود  
سرکب در انتخابات ، حتی با احساسات  
آوردن نفلاب ، در حدود ۶۰ درصد بود . در  
سراطی که حسن آرادسجن سرحدود یک  
سوم (  $\frac{1}{3}$  ) جمعیت کسیرل داشت ، این  
درصد سرکب سار فابل نوحه بود و در سطح  
وسع - سادهمدرسی - به سعواری  
به موروروا بلکه سعووان رای به طح دیده  
شد ، واس رانی بود که حسن آرادسجن  
بآن ناحدب سرحدود کرد .

وقتی بفاصله ی کواهی انتخابات  
در انکلسان سرکرار شد ، و محافظه -  
کارها به قدرت رسیدند ، کسیکه مسئولیت  
اسراری امربالسم را بعهده  
گرفت ، لرد کارینکون بود . سرب  
او در اربانی امکانات جدید برای  
سواقی واقعی با سرکب سروهایی جبهه  
میپی ، فابل ملاحظه بود .

حملات که عمدتاً موجه اهداف امنیتی  
بود ، دچار مشکلات اقتصادی شدند .

سیرس زمان را در این دوره  
مورامینک متحمل شد ، که دچار مهم  
عدایی آن برای سهرمایوت نبود و ده  
کامیونهای حمل بار از بس رفتند .  
در نتیجه ، موضع صد امربالسمی  
حکومت موزا مسک تضعیف شد ، و فشار  
در طول کفراسلندن ، همراه با اوج  
حملات ، افزایش یافت

### سازشها

در سرو تمام تحولات فوق است  
که تحلیل محمدهای که دولت جدید  
رسمانوه در آن در کبر است ، امکان  
بذیر مسود . حسن آرادسجن در  
کفراسلندن ، در اثر سرکسی از  
حسوت بزادستان سفد بوسنت و  
مانورهای ربرکانه ی امربالسمها ،  
ناچار به دادن امتیازاتی شد که  
نظور فابل ملاحظه ای امکان مانسور ،  
بعد از رسدن بقدرت ، را کاهش

را بر کل منطقه عمیق تر ساخته است .  
این عقبگرد را فقط با موضع متحد  
و فاطع سروهایی مبرمی در کل منطقه  
سعووان حبران کرد ، و سعووان از  
ریمانوهایی ها انتظار معجزه داشت .

### پیروزی

حسده دیگر مسئله است که  
حکومت جدید زیمانوه دارای پشتیبانی  
بوده ها است و این پشتیبانی دارای  
محوای صد امربالسمی است . اگر  
حکومت جدید نتواند این حمایت را  
نظور موثری بسیج کند ، در آسورب  
نتواند ساری از مشکلات را به  
مقابله بطلند . این مشکلات شامل  
موارد زیر است :

ماهیت ارباعی موهی قضائیه ، سروی  
بلیس و دستگاه اداری ، سلط سرکب  
های جبهه ملیتی بر معادن و بحسهای  
اساسی صنعت ، غیر ممکن بودن حل  
دو مسئله کاملاً فوری - مسئله ی  
رسمی و مسکن با وجود سیم روابط

**حکومت جدید زیمانوه دارای پشتیبانی توده ها است و این پشتیبانی دارای محتوای ضد  
امربالسمی است . اگر حکومت جدید بتواند این حمایت را بطرز موثری بسیج کند ،  
در آسورب میتواند بسیاری از مشکلات را بمقابله بطلند .**

مالکیت موجود ، و بقود غالب آفریف  
جنوبی بر ساری از حواب جامعه .  
در کواه مدب ، حکومت فادربه  
مقابله با این مشکلات عمیق نخواهد  
بود . سوارن سروهایی در درون حکومت  
در حال حاضر ببعف بکسوکراستها و  
با سوبالسمهای حرده سوزوای حسن  
آرادسجن است ، که عناصری از این  
ها هم در رایو و زایو وجود  
داستند . اینان سسر نمابل به  
اطلاعات بدرجی و کنار آمدن با  
سروهایی ملط دارند ، با سعبیراب  
رادیکال .

ولی سروهایی مبرمی سری ، هم  
در رهبری زانو و هم رایو وجود  
دارند ، که با کدس برمان ، وقتیکه مردم  
حواسته هایان را انجام شده نیستند ،

داد . سوره ، حسن آرادسجن اجازه داد  
که حق مالکیت برای حداقل ۱۰ سال  
بصنن بود که این خود یک استخوان  
سندی سرمایه داری را صافت منکند .  
هم حسین اجازه داد بسیاری از ارکانهای  
قدرت سفد بوسان دست خورده سافنی  
سماشد .

در عین حال ، حسن آرادسجن با  
شرایط سفقوسی در منطقه بطور کلی  
روسوس . در حالیکه نظاهر ، "سرس  
ماه " بیسر بطرف حسوب بیسروی  
کرده ، و فقط با مینیا و آفریفای  
جنوبی سایی مانده اند ، در اصل یک  
عقبگرد اساسی رخ داده است ، که  
اقتصاد مورامینک ، آنکولا و رامینا  
را دچار بحران ساخته ، و حکومت جدید  
زیمانوه را در دام انداخته ، و  
سلط آفریفای جنوبی - و امربالسم

اردستانه او ، حک بحالت لاسحلی  
رسده بود ، روحه طرفس سائس و سامل  
به تلح سدید بود و حداقل یک حاج از  
حسن آرادسجن - رایو - آماده سارس و  
سواقی بود . طولی نکسید که او حمایت  
کسورهای مسرک المامع را برای سکت  
نلان جدید - کفراسل لاکا سروهایی  
در لندن دست آورد .

با فرا رسدن کفراسل و بعد  
ادامه ی آن ، فابل سوحدرسی تحول  
نلان عاخرانه ی رودزائی ها و آفریفای  
جنوبی برای سعبیر هر چه سربسیر  
سوارن سروهایی در منطقه بود . حملات ،  
که در تمام آنها بجهیراب نظامی  
عرب بکار سبرفت ، توسط آفریفای  
جنوبی به آنکولا ، توسط رودزیا به  
مورامینک و هر دو به رامینا ، سروع  
شد . تمام این کسورها در ارباین

## دوران‌دیشی!

ولی مفاسدی آتینا را عبدهی سما  
سنگداریم .

\*\*\*\*

### ذبح اسلامی!

رورسامدی اطلاعات ۲۰ اسفند ار  
بول حب‌الاسلام هادی غفاری نویسنده  
"نمانده‌هایی را که در حد  
امام ساسد برور خواهند  
کرد".

البتد حون اس منله باعدتکراسی  
بعدادی ار کاندیدها که در حیط  
دیکری ار حظوظ امام ترار دانسد.  
کردسد. آتای غفاری در رورسامدی ۲۱  
اسفند سوسج دادسد که ایسان کفید  
اند نمانده‌هایی را که در حیط  
امریکا ساسد برور خواهند کسردر  
اصولا "امریکایی را ناند بر برسد."  
ناس برسدو نا بوجه ساسد  
اغترانات خود آتای ناررکان ساسد  
برودی مسطر ذبح اسلامی ایسان و هم  
طرراسان بود.

ندسی‌اس که رورم جمهوری اسلامی  
در عدد بحصل حکمی دیکر نه حلی  
کرد مساسد. در اس رانظہ حجاج  
"دور اندس" رورم صحتار مذاکرات  
ملح مسکند و حجاج "کوباه ساسن"  
مرسا در نلاں اتحاد درکیری ساسا  
انعام "مايور" های اژسی و ردن  
بیمپای "خُله نه سمازکراران" وار  
اس قیل مساسد.

طرح دیکر "حجاج" دوم سلسع  
برای حاسبا سحت عوان "کرده‌های  
مهاجر" و "سارمان سسمرکان مسلمان  
کرد" اس. اس بوطنه‌ی مرجعی  
هم اسسا. سده اسو هم اسکسه  
مصدان "دروغکو کم حافظه اس"، دم  
جروسار لای عیای آتایان برور رُد  
اس.  
جمهوری اسلامی مورج ۲۵ اسفند  
می نویسد:

"سا نه کرارسات رسده ار  
کرمانساه صبح رور بحسبسد  
در نک در کیری سس سس مرکا  
مسلمان کرد نا کوملسسه و  
فدائیان خلق ۹ س ار اعصای  
کومله و فدائیان خلق کسه و  
۲ س ار سارادران سارمسلمان  
سسمرکان مسلمان کرد رخصی  
کردسدند.

سا بر همس کراراس یکی ار  
کسه سکان حواجر راده‌ی مدتی  
کنا سکرشس حرب کومله مساسد.  
انقلاب اسلامی هماسرور ۲۵ اسفند  
می نویسد:

"در درکیرنهای دو رور احسر  
میطنه‌ی کاساران ساکسین ۲  
ار اعصای حرب کومله و دیکر  
سروهای مسلح ار حمله حواهر  
زاده‌ی صدق کمانکر یکی ار  
رهبران حرب کومله کسه وار  
طرنس درکیرنهای سسر حمد سس  
رحمی سده‌اند که بعدادی ار  
ساداران و سسمرکان کرد  
مخروج... حال یکی اریاسدار  
سام اکثر بوردانه سسسدت  
وحیم اس".

ساکسدها در هر دو نفل قول ار ماس

اسن سروها سسوان ساسسد  
حواسددهای مردم سرحسد حواسسد سد.  
حکومنا ساند در مسائل اسن سسروها  
سسلم بود و سا مومل نه عوامتری  
و احصای بود اسده اسرا سسان  
حواهد داد.

سار اس آسده. حسی اکثر  
مسکلات مسائل سسروهای سسرسس  
آفرینای حیوی سسار عظیم سسظرآسده،  
ساریک سسب. هم اکون حکومتی  
ساحسوس سسطنه کرد هم آسده‌اند سا  
حس اندار سساله نا سسلط آفرینای  
حیوی را اریسانی کسد. سواو سسه  
سارردی خود در ساسسا ادا مسسه  
سدسد. فعالیتهای حرکتی سسوط سورا  
ملی آفرینا و کیکره‌ی ناں آفرینایی  
در کسور آفرینای حیوی حد در سسبر  
حد در روسا ادا مد دارد. و رورم  
اربحای رنر مل همسه سی سسب  
اس.

سارکسسیهای اسراں ار سساری  
سسان رخص سسوربر موكاه، بعد  
ار رسدن سسرت، سوکده حواسسد سد،  
ولی فعلا. سا رمانکده حکومت جدید  
و کالیف سسکینی را که در مسائل دارد  
انعام دهد، ساند اسنظار حسس  
سایای را داسه ساسد. ساکسد  
رمان حرکات سسیری سسوان ار راسو  
و راسو اسنظار داسنا کنار آمدن  
نا سسروهای اربحای، ولی در آسرماس  
نا اسن احزاب سد ححرک حواسسد  
کرد. سا در آتینا اسعجاب حواسسد سد،  
و نا سسروهای جدیدی در مقابل آنها  
سوجود حواسسد آمد. سسظ و سسظ در آن  
رمان ساند سسصم ترسکه ار حدک سس  
ساند سسینای کرد. حون در حال  
حاصر یکی سسبکه سسروهای کسد  
اسسعارتران سفید سوس را سسرسون  
کرده‌اند مسسجی سمام حمانی سسسد  
که سسوانسد حطب کسد.

- \* ساسره نه حسمورکا (نه سس  
حمراد نا انقلاب)
- \* ساسره نه راسو/ راسو (نه سس  
ا راسو/ راسو)

## تروتسکیسم

### سقط

## دیالکتیک لنینی

### مقاله‌ای از

سازمان وحدت کینوستی

## منتشر میشود

